

کلمه

♦ پیامدهای «شایعه پراکنی» در جامعه اسلامی
♦ شکوه و وحدت در آموزه های نبوی

پرونده ویژه: جریان شایعه پراکنی به انسان رسانه ای بر ضد مرجعیت
بازخوانی گفتار بسیج

پرتوی اسلام بریهود
سامانه پیام کوتاه



رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (سوره: البقرة آیه: ۲۵۰)
"ای پروردگار ما ، بر ماشکیبایی بیار و ما را
ثابت قدم گردان و بر کافران پیروز ساز"

مسأله فلسطین و رهایی قدس شریف از چنگال رژیم صهیونیستی، فراتر از چارچوب های قومی و مذهبی، فراسرزمینی و فراملی است و به سرنوشت همه امت اسلامی و حتی دیگر جوامع بشری مرتبط است؛ اینگونه است که پس از توطئه ترامپ در انتخاب قدس به عنوان پایتخت اسرائیل؛ جهان اسلام و حتی جوامع غیر اسلامی نیز در دفاع از آرمان های مردم فلسطین به پا خواستند؛ و همه معادلات آمریکا و متحدانش را بر هم زدند که نشان داد امت اسلامی عزم خود را جزم کرده تا با ندای رهایی قدس شریف، شیاطین غربی عربی عبری را مقهور اراده و مقاومت خود سازد. گفتنی است اسرائیل تاکنون با کمک توطئه های آمریکا در منطقه در ایجاد جنگ های نیابتی به حیات ننگین خود ادامه داده است، لیکن شکست سنگین گروه های تروریستی تکفیری در عراق و سوریه و تقویت روز افزون جریان مقاومت در منطقه؛ زمزمه فروپاشی کامل رژیم صهیونیستی را به شدت آشکار ساخته است. در این میان همزمانی نابودی کامل اسرائیل با سقوط کامل رژیم های مترجع عربی به ویژه رژیم منحوس سعودی در قالب ادامه جنبش های بیداری اسلامی و با محوریت جریان مقاومت دور از ذهن نیست.

البته نباید فراموش کرد رمز تحقق این امر در وحدت امت اسلامی نهفته است؛ اینگونه است که امام خمینی(ره) در پیشگویی صریح راه علاج مسأله فلسطین و پایان جنایات اسرائیل را در وحدت اسلامی دانست و فرمود: «...اگر همه مسلمانان جمع شوند و هر کدام یک سطل آب بریزند اسرائیل را آب می برد...» [۱] هم چنین پیشگویی امام گونه خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری مبنی بر این که «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید.» [۲] و نیز بیانات مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) مبنی بر اینکه «قدس و فلسطین به امت اسلامی بر می گردد» [۳]، در ساحت وحدت جهان اسلام امکان پذیر خواهد بود.

حال در تبیین دقیق کارکردهای وحدت گرایی در سرنوشت روشن مسلمانان می توان به وقایع اخیر فلسطین اشاره کرد؛ از یک سو تداوم مبارزه با تروریست های تکفیری در عراق و سوریه و یمن، آمریکا را با شکست تاریخی در منطقه مواجه کرده است؛ از سوی دیگر اقتدار جریان مقاومت و گفتمان اسلام ناب با پیشتازی انقلاب اسلامی ایران؛ تأثیرات نظام اسلامی در میان کشورهای اسلامی را دو چندان کرده است.

حقیقت آن است که خواب شوم آمریکا و متحدانش در منطقه که در راستای ایران هراسی و شیعه ستیزی(بخوانید هلال شیعی) برای محو آثار و کارکردهای انقلاب اسلامی صورت می پذیرفت و خاورمیانه بزرگ بدون ایران را ترسیم می کرد، در عمل به اقتدار باشکوه نظام اسلامی در جهان اسلام منتهی شده است و رژیم سعودی که سودای آقایی در منطقه را در سر می پروراند پس از اقدامات ماجراجویانه در منطقه از قبیل حمایت از گروه های تروریستی تکفیری و ارتکاب جنایات ددمنشانه در یمن خود را در گرداب رسوایی گرفتار می بیند؛ حال ایجاد تغییرات بنیادین در منطقه به سود جریان مقاومت، حضور مداخله جویانه آمریکا در منطقه را بسیار بی معنا کرده است و تشدید خشم و نفرت مسلمانان علیه حامیان اصلی تروریسم را به همراه داشته است.

بی شک تشدید فروپاشی رژیم صهیونیستی در پسا داعش از جمله حقایق انکار ناپذیر است؛ تحقق این مسأله به ویژه پس از ثبات جریان مقاومت در مبارزه با تروریسم تکفیری؛ تفکیک میان جبهه اسلام نبوی با اسلام ملی گرای تکفیری را برای امت اسلامی تسهیل کرده است لذا موج عظیم گرایش اهل سنت به گفتمان جریان مقاومت شیعی در مقابله با جریانات تکفیری بسیار معنادار است که نشان می دهد صدور آرمان ها و ارزش های والای انقلاب اسلامی در عصر کنونی در قالب بازتولید فرهنگ بسیجی در آموزه های معرفتی شهدای مدافع حرم در دیگر کشورهای اسلامی تجسم یافته است. در این زمینه حمایت همه جانبه امت

اسلامی از قدس شریف و تأکید بر مبارزه فراگیر با رژیم کودک کش اسرائیل و بی اعتنایی به ماجراجویی های رژیم سعودی؛ خود بهترین مدعا از رفتارشناسی ضد استکباری مسلمانان در پساداعش به شمار می رود و نوید بخش تغییرات اساسی در ساختارهای دینی منطقه است.

بدین ترتیب دستاورد جبهه مقاومت به رهبری ایران در نبرد با داعش، پشتوانه ارزشمند در فروپاشی اسرائیل و رهایی قدس شریف به شمار می آید؛ به ویژه آنکه با فروپاشی ساختار آمریکایی در منطقه، مشروعیت رژیم های عربی به شدت زیر سوال رفته و نظام تک قطبی آنگلو ساکسون ها به پایان حیات ننگین خود رسیده است؛ هم چنین هویت جدیدی در پسا داعش در بین ملت های جهان ایجاد شده است که نشانه های آن در شکل گیری انتفاضه چهارم در فلسطین آشکار شده است؛ جنگی که به پیروی از نهضت امام حسین(علیه السلام)، پیر و جوان، خانواده ها و مردم و حتی بچه شیرخواره، در آن مشارکت مستقیم دارند و به همین علت قیام مردمی در فلسطین شکست ناپذیر شده است؛ لذا باید در چگونگی تداوم اقتدار آفرینی نرم افزاری و سخت افزاری جریان مقاومت در فلسطین و در فضای پسا داعش اندیشید.

از یک سو حمایت نظامی و سخت افزاری جریان مقاومت از مبارزان فلسطینی در غزه و تسلیح کرانه باختری حیاتی است؛ از سوی دیگر باید گفت تداوم پیروزی های جبهه مقاومت مقوله ای نرم افزاری است؛ لذا بسط و گسترش عقلانیت سیاسی و تبیین مردم سالاری دینی و مردم محوری با بهره گیری از آموزه های وحدت بخش فقه مذاهب اسلامی و تبیین چارچوب فقهی امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد مقارن اهتمام ویژه جهان اسلام به مسأله فلسطین را در پی خواهد داشت و افراط(هنجار شکنی و ظلم و ستم) و تفریط(ظلم پذیری) را ریشه کن خواهد کرد که رهایی قدس و نابودی رژیم صهیونیستی حلقه مکمل این مسأله خواهد بود.

[۱] صحیفه نور؛ ج ۸؛ ص ۲۳۵.

[۲] بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۹۴/۶/۱۸.

[۳] بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی؛ ۱۳۹۲/۵/۱۱.



ماهنامه الکترونیکی خبری-تحلیلی بلیغ
سال سوم | شماره بیست و چهارم | دی ماه ۱۳۹۶

- ۲ فهرست
- ۳ طلایعه سخن
- ۴ پیام ها و بیانات
- ۸ دیدارها
- ۱۰ گزیده سخنان
- ۱۲ فن آوری اطلاعات
- ۱۴ یادداشت
- ۲۱ پرونده ویژه
- ۳۰ مقاله
- ۴۱ معرفی کتاب
- ۴۴ مؤسسات وابسته
- ۴۵ معارف اسلامی
- ۴۷ سؤالات شرعی
- ۴۸ وفات حضرت معصومه سلام الله علیها

MAKAREM.IR



صاحب امتیاز: پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)
نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶
وبگاه: makarem.ir
پست الکترونیک: info@makarem.ir
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹
تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۹۹۳۴





پیام دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری درباره پایان جریان تکفیری داعش

بسم الله الرحمن الرحيم

لَقَدْ ابْتَعَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ
«آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه‌انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند)؛ تا آن که حق فرارسید، و فرمان خدا آشکارگشت (و پیروز شدید)، درحالی که آنها کراهت داشتند.»

بعد از شکست مفتضحانه استکبار جهانی و رژیم جنایت کار صهیونیستی در برابر جبهه مقاومت اسلامی و گرایش جوانان کشورهای اسلامی به گفتمان مقاومت اسلامی دشمنان اسلام و در راس آن شیطان بزرگ امریکا، با بهره‌گیری از فتاوی تکفیری فرقه وهابیت فتنه‌ای دیگر را طراحی کردند. ایجاد جنگ مذهبی و تکفیر مسلمانان فتنه‌ای بود که به مراتب پیچیده‌تر و فریبنده‌تر از قبل بسیاری از جوانان امت اسلامی را در کام خود فرو برد. مجریان این فتنه، فریب‌خوردگانی بودند که با ارائه قرائتی انحرافی از قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باعث شدند چهره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را که منشأ رحمت و مودت میان امت اسلام و بشریت است، به چهره‌ای کریه و زشت تبدیل کنند.

علمای آگاه و هوشیار اسلام، رزمندگان

فداکار و ملت‌های مسلمان با درک صحیح از این فتنه و اهداف شوم آن، با روشن‌گری و بصیرت‌افزایی امید آنان را به یأس تبدیل کردند. در حالی که سلطه‌گران و سردمداران سیاسی غرب، نابودی دولت دروغین داعش را نیازمند گذشت ده‌ها سال قلمداد می‌کردند و قصد داشتند این شجره خبیثه را به مدتی طولانی گریبان‌گیر امت اسلام قرار دهند، اما جوانان غیور جبهه مقاومت و مدافعان حریم ولایت، از عراق، سوریه، ایران، افغانستان و لبنان و سایر کشورهای اسلامی با پای‌مردی و نثار جان ارزشمند خویش توانستند پرچم نصرت الهی را بر فراز آسمان عراق و سوریه به اهتزاز درآورند.

امروز گرچه حضور ظاهری پدیده شوم جهل و تکفیر از برخی سرزمین‌های مسلمانان ریشه‌کن شده است؛ اما همچنان مقابله با ریشه‌های فکری این جریان امری ضروری است لذا حوزه‌های علمیه، عالمان دینی اهل سنت و شیعه، مجامع دانشگاهی و فرهیختگان و جوانان کشورهای اسلامی باید همچنان هوشیاری خود را حفظ کرده و با روشنگری و نقد اندیشه‌های تکفیری و آگاه‌سازی جوامع اسلامی به ویژه جوانان ریشه‌های فکری این جریان نامبارک را بخشکانند. امت اسلامی نیز شایسته است راه مقاومت

را بر محور وحدت و مودت میان مذاهب اسلام و مشترکات میان امت اسلامی طی کند.

اکنون که این وعده صادق پرودگار محقق گشت و با نابودی شجره خبیثه داعش، پیکر زخمی جهان اسلام تا حدودی التیام یافت و چشم امت داغدار مسلمان روشن شد، دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری به آحاد مسلمین، مصلحان و همه امت، آزادگان جهان، به ویژه محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی و مراجع بزرگوار و عالمان دلسوز همه مذاهب اسلامی تبریک عرض نموده و برای سرداران سپاه اسلام ومجاهدان و رزمندگان جبهه مقاومت، مدافعان حریم ولایت و خانواده‌های شهیدان و جانبازان این مقاومت مقدس به ویژه سردار پرافتخار امت سرلشکر پاسدار حاج قاسم سلیمانی، برترین پادشاه‌های الهی را از خداوند منان مسئلت دارد.

دبیرخانه کنگره جهانی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری نیز با هدایت‌های داهیانیه و راهنمایی‌های حکیمانه مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله همچنان آمادگی خود را برای مقابله با فتنه‌های پیش‌رو و خشکاندن ریشه‌های عقیدتی و فکری این جریان افراطی اعلام می‌دارد.



پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

به مناسبت رحلت مرحوم آیت الله حائری شیرازی (رحمت الله علیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت حضرت آیت الله حائری شیرازی (رحمة الله علیه) موجب نهایت تأسف گردید. این عالم بزرگوار در تمام طول عمر خود در خدمت اسلام و برنامه‌های فرهنگی و جهادی اسلام بود. از آغاز انقلاب همواره در میدان بود و پس از پیروزی انقلاب در دعوت مردم به اتحاد، یگانگی و پایداری در مقابل دشمنان کوشا بود.

از صفات بسیار نیک این عالم روشن ضمیر، خلوص نیت او بود که بدون

ملاحظه گفتار این و آن به وظیفه خود عمل می‌نمود. او شاگردان زیادی تربیت کرده و آثار مکتوب باارزشی از خود به یادگار گذاشت. یاد او همواره در خاطره ما به عنوان یک عالم فداکار باقی خواهد ماند.

اینجانب این ضایعه مولمه را به حوزه علمیه عموماً و حوزه و علمای شیراز خصوصاً و خاندان محترم او تسلیت عرض نموده و علو درجات را برای او و صبر جمیل و اجر جزیل را برای بازماندگان از خداوند منان خواستارم.

بیانیه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه) درباره توطئه خطرناک آمریکای متحدها

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم اخیر دولت آمریکا که برخلاف قطعنامه شورای امنیت و بر خلاف تمام موازین بین المللی بود درباره بیت المقدس و اینکه متعلق به اسرائیل و پایتخت اوست و تصمیم بر اینکه شش ماه دیگر سفارتخانه آمریکا به آنجا برود، موج عظیمی از نفرت را در سراسر جهان برانگیخت و تمام مسلمین دنیا و بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه و رجال سیاسی جهان آن را شدیداً محکوم کرده‌اند.

در اینجا دو نکته حائز اهمیت است: نخست اینکه بعد از شکست آمریکا و طرفدارانش در عراق و سوریه و شکست

توطئه اخیر در لبنان و یمن به فکر فتنه ای جدید افتاده اند شاید بتوانند در آن فتنه، شکست های پی در پی سابق را جبران کنند در حالی که کور خوانده‌اند زیرا مخالفان آمریکا و طرفدارانش، در این فتنه بسیار بیشتر از فتنه سابق است و به یقین در اینجا هم گرفتار شکست و رسوایی تازه‌ای خواهند شد.

دیگر اینکه این جنایت بزرگ سبب رسوایی طرفداران آمریکا مانند عربستان سعودی گردید که آمریکا و اسرائیل را اخیراً به عنوان دوست خود انتخاب کرده اند و تا می توانستند از بیت المال مسلمین به آنها کمک کردند؛ اکنون

حیرانند و نمی‌دانند در برابر مسلمانان جهان چه بگویند و چه کار کنند.

در ضمن این تصمیم سنگ بزرگی در مسیر طرفداران سازش با اسرائیل نیز انداخت که آن هم رسوایی دیگری است.

در این شرایط همه مسلمین جهان باید متحد شوند، چون قدس حلقه اتصالی است در میان همه آنها و باید در برابر این تجاوز آشکار و زورگویی زشت بایستند و نگذارند شهر قدس و قبله اول مسلمین از دست برود.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أقدَامُنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

حجت الاسلام والمسلمین رفعتی

به ریاست شبکه جهانی ولایت منصوب شد

ولایت در خدمت به اسلام و مسلمین موفق باشید.

ضمناً از خدمات و تلاش‌های بی‌دریغ جناب حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد حسینی قزوینی در مدت تصدی مسئولیت خطیر تقدیر و تشکر می‌کنم.

قم- ناصر مکارم شیرازی

مؤسسه جهانی ولایت تحت اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی که در سال گذشته موفق به کسب اولین مجوز رسمی به عنوان یک شبکه ماهواره‌ای غیردولتی از شورای عالی انقلاب فرهنگی شد، بیش از این مدیریت آن به مدت هشت سال بر عهده آیت الله حسینی قزوینی بود.

نظر به تجارب، توانمندی‌ها، حسن سوابق علمی، مدیریتی و رسانه‌ای جناب عالی، بدین وسیله شما را به مدت دو سال به سمت رئیس موسسه جهانی ولایت منصوب می‌نمایم.

نظر به اهمیت و ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین انتظار می‌رود با تداوم تحول بنیادین در شبکه‌های جهانی ولایت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های گرانسنگ حوزه‌های علمیه به ویژه مراکز تخصصی و به کارگیری نیروهای متعهد و متخصص در تثبیت و توسعه کمی و کیفی برنامه‌های این رسانه دینی گام بردارید.

إن شاء الله همواره با استعانت از درگاه احدیت و نیز در سایه عنایت خاصه حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) و همت و تلاش مضاعف همکاران، در جهت دستیابی به اهداف بلند موسسه جهانی



تجلیل از آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دام ظلّه) در کنفرانس وحدت اسلامی

آیت الله العظمی مکارم شیرازی به عنوان برجسته ترین شخصیت جهان اسلام در عرصه ی وحدت و تقریب مذاهب در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی مورد تجلیل قرار گرفت

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان؛ اختتامیه سی و یکمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در تهران، با تجلیل از شخصیت های برجسته جهان اسلام در زمینه ی وحدت اسلامی همراه بود.

آیت الله اراکی، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در این کنفرانس گفت: نخستین شخصیتی که در این همایش مورد تجلیل قرار می گیرد، آیت الله العظمی مکارم شیرازی است که بیش از ۷۰ سال عمر شریف خود را صرف تلاش علمی در زمینه کلام، تفسیر، حدیث، فقه و... کرده است و از سال‌های دور در مقابل شبهات دشمنان علیه اسلام ایستادند و این تلاش را تا امروز با قدرت ادامه می دهند.

توضیح لازم

بسم الله الرحمن الرحيم

مدتی است خبری سرتاپا دروغ به وسیله بدخواهان مرجعیت شیعه در بعضی از فضاهای مجازی منتشر کرده‌اند که آقای به نام مدلل داماد حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی است و او تاجر شکر و بدهکار مهم بانکی است، در حالی که معظم له نه چنین دامادی دارد و نه حتی این شخص را دیده است.

اخیراً یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به نام آقای محمود صادقی با عبارت «خوب است جناب ایشان درباره بدهی های کلان معوق جناب مدلل به بانک سرمایه هم توضیح بدهند» به این شایعه دامن زده و به نوعی این دروغ را در توئییت خود نسبت به معظم له تکرار کرده است.

بدین وسیله اعلام می‌دارد چنانچه جناب آقای صادقی این موضوع را تکذیب و عذرخواهی نماید مشکلی نیست و الا از طرق قضایی قابل تعقیب است.

خداوند به همگان توفیق عمل به وظایف الهی خود را بدهد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، بیان کرد: علامه بدرالدین حسون، مفتی اعظم جمهوری سوریه، از دیگر شخصیت هایی است که در این کنفرانس، از وی به دلیل تلاش های اثرگذارش در عرصه های مختلف روشنگرانه عالم اسلامی تجلیل می‌شود.

وی گفت: شخصیت چهارمی که در این همایش مورد تجلیل قرار می گیرد، دکتر فردوس العوادی است که از تلاش ۵۰ ساله وی در عراق در زمینه وحدت اسلامی تجلیل به عمل می آید.



شیخ أحمد بدر الدین حسون مفتی سوریه



مترجم قرآن به زبان انگلیسی



سردار غیب پرور و جمعی از مسئولان بسیج



مجلس سوگواری شهادت امام حسن عسکری علیه السلام



مسئولین مرکز مهدویت



معاون فرهنگی آستان مقدس کریمه اهل بیت سلام الله علیها



مراسم جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام و مراسم عمامه گذاری



علما و شخصیت های شرکت کننده در اجلاس جهانی محبین اهل بیت علیهم السلام



مراسم جشن میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام و مراسم عمامه گذاری



همایش انجمن علمی ارتباطات و تبلیغ حوزه علمیه قم





بیانات حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی درباره فتنه داعش

خبر بسیار مسرت بخشی که از آغاز ماه ربیع الاول همه جا منتشر شد، یعنی خبر نابودی قدرت داعش و درهم شکستن ستون فقرات این گروه جنایت کاری که در طول تاریخ به قساوت و بی رحمی و درندگی آنها کسی را سراغ نداریم، بسیار مایه امیدواری بود

جوانان امروز که پیروزی های انقلاب را ندیدند، پیروزی های اخیر را دیدند

باید با توجه به نتایجی که از پیروزی های اخیر گرفتیم، سرمایه اصلی خودمان را حفظ، تقویت و تکمیل کنیم، نسل جوان پیروزی های انقلاب را ندید اما پیروزی های اخیر مقاومت جانشین پیروزی های انقلاب شد. نسل جوان باید باید لمس کند و ببیند که افتخارات دینی، عقاید دینی و پایبند بودن به اصول اسلام چه آثاری دارد

محبت اهل بیت (علیهم السلام) عامل وحدت بین مسلمین است

برای اینکه اتحاد مسلمین محکم باشد باید تمام مذاهب اسلامی به مقدسات یکدیگر احترام بگذارند، ما اجازه نمی دهیم که شیعیان به مقدسات اهل سنت اهانت کرده و یا این که اهل سنت به مقدسات شیعه اهانت کنند؛ بنابراین هیچ مذهبی نباید به مقدسات مذهب دیگر اهانت کند.

حوزه علمیه قم از بهترین حوزه های علمیه در دنیا است

در گذشته در مورد مسائل مستحدثه بحثی نمی شد اما در حال حاضر تعداد بسیاری کتاب و رساله درباره مسائل مستحدثه نوشته می شود و کسانی هستند که بر مسائل مستحدثه و پاسخگویی به آن تمرکز دارند.

در حالی که مردم از بیکاری و گرانی رنج می برند، پرداختن به مسئله ورود زنان به ورزشگاه ها چه معنایی دارد؟

دشمنان در سوریه و عراق فتنه به پا کردند که خوشبختانه خاموش شد اما ویرانی های آن به زودی جبران نخواهد شد، دشمن اخیرا به این نتیجه رسیده که در لبنان آرام فتنه ایجاد کند، در جریان لبنان فردی را تحریک کردند تا ایجاد اختلاف کند و آن ها بتوانند هجمه وارد کنند؛ بنابراین باید هوشیار بوده و بدانیم که در شرایط فعلی وحدت لازم است

قدرت دفاعی نداشتیم معلوم نبود دشمن با ایران اسلامی چه می کرد

امنیت ایران در دنیا کم نظیر است، خوشبختانه قدرت دفاعی ما روز به روز بیشتر می شود که اگر نبود معلوم نمی شد که دشمن با ایران اسلامی چه می کرد؛ بنابراین سیاه نمایی افتخار نیست و اگر کسی نقد می کند باید راه حل هم ارائه دهد.

رسانه های فاسد برای تخریب عقاید نسل جوان برنامه ویژه دارند

شیعه سرمایه های بسیاری دارد که خداوند در اختیار آن قرار داده اما باید از آن استفاده کند، باید استفاده فرهنگی کرد و به صورت ویژه بر نسل جوان، خواهران و زنان که در معرض توطئه های بیشتری قرار دارند کار شود تا با روحیه تازه ای از سفر به شهر مقدس قم باز گردند.

بیانات معظم له در دیدار با رئیس سازمان نظام مهندسی کشور

مرجعیت به افکار عمومی اتصال دارد و شاید روزی هزار نامه برای ما ارسال می شود، اگر ذهنیتی پیدا شود نتیجه نامه های مردم و ملاقات های حضوری است، ما باید دردهای مردم را بازگو کنیم.

تا از قید و بند استکبار آزاد نشویم به جایی نمی رسیم

باید دنیای امروز و صفات مستکبران را بشناسیم، اگر این شناخت باشد فریب نمی خوریم اما اگر شناخت وجود نداشته باشد انسان فریب می خورد، انسان عاقل باید دشمن خود را بشناسد و در برابر انحصار طلبی استکبار جهانی بایستد.

نرم افزار اندروید «نهج البلاغه»

- گنجینه بزرگ معارف اسلام

- عالی ترین درس برای تعلیم و تربیت انسانها

- بهترین سرمایه خودسازی و تهذیب نفس

- مؤثرترین برنامه برای ساختن جامعه ای سالم و پاک و سربلند

- عناوینی است که به حق می توان برای نهج البلاغه انتخاب کرد.

تنها کسانی می توانند درباره این کتاب بزرگ و بی نظیر سخن بگویند که حداقل یکبار با دقت کامل تمام آن را از آغاز تا پایان مطالعه کرده باشند آن گاه روشن خواهد شد هر چه درباره این مجموعه گرانبها گفته شود، کم است!

سزاوار است عاشقان حقیقت، پویندگان راه معرفت الله و جویندگان راه و رسم بهتر زیستن، همه روز در کنار آرامگاه عالم بزرگوار سید رضی (گردآورنده نهج البلاغه) حاضر شوند و در برابر او سر تعظیم فرود آورند و بر روانش درود بفرستند که اثری چنین گرانبها و بی بدیل از کلمات مولا علی (علیه السلام) را جمع آوری کرده و در اختیار ما مسلمانان بلکه در اختیار جامعه بشری قرار داده است.

در طول تاریخ اسلام شروح متعددی بر نهج البلاغه نوشته شده، و علمای عالی قدری چه در گذشته و چه در عصر ما برای تبیین و تفسیر و کشف گنجینه های آن کوشیده اند و خدمات پرارزشی انجام داده اند، ولی انصاف این است که

نهج البلاغه هنوز دست نخورده است، هنوز مظلوم است هنوز تلاش های فراوان و فراوان دیگری را می طلبد.

مخصوصاً در عصر و زمان ما که عصر مشکلات پیچیده جوامع انسانی، عصر ظهور مکتب های مختلف فکری، و عصر تهاجم بر اعتقادات و اخلاق و تقوا و فضیلت از سوی دنیاپرستان و جهانخواران است، تا راه را برای رسیدن به منافع آلوده و نامشروعشان هموار سازند، آری در این عصر، نهج البلاغه تلاش و کوشش و کار بیشتری را می طلبد. کار تحقیقاتی و گروهی برای یافتن راه غلبه بر مشکلات معنوی و مادی و فردی و اجتماعی و مقابله با مکتبهای ویرانگر فکری و اخلاقی به وسیله آن.

به همین دلیل بعد از توفیقی که در «تفسیر نمونه» و «پیام قرآن» بحمدالله نصیب معظم له و جمعی از یاران باوفا شد که سبب حرکت جدیدی درباره کارهای قرآنی و نفوذ بیشتر قرآن و تفسیر در مجامع علمی بلکه غالب خانه ها گردید، با همکاری گروهی از اهل فضل کاری مشابه تفسیر نمونه روی نهج البلاغه انجام گردید، که ماحصل آن کتاب وزین پیام امام امیر المؤمنین علیه السلام بود.

در این نرم افزار متن و ترجمه نهج البلاغه به انضمام تفسیر آن بر اساس کتاب امیر المؤمنین علیه السلام به تفکیک خطبه ها، نامه ها و حکمت ها با امکانات مشروح زیر ارائه شده است تا گامی موثر در بهره مندی هر چه بیشتر شیفتگان مکتب حق و حقیقت باشد.

۱- تفکیک خطبه ها و نامه بر اساس بخش های مرتبط تفسیری به منظور دسترسی بهتر به مطالب

۲- جستجو در خطبه ها، نامه ها و حکمت ها در تمام بخش های نرم افزار به تفکیک متن، ترجمه، عبارت و به صورت عطفی، فصلی و کل عبارت. با امکان نگهداری نتیجه جستجو و مشخص نمودن کلمه مورد نظر در متن نتیجه

۳- ایجاد فهرست برگزیده (مطالب منتخب) به منظور دسترسی سریع به مطالب مورد نظر

۴- امکان اشتراک گذاری و کپی نمودن قسمتی از متن، ترجمه و تفسیر

۵- امکان تنظیم فونت و اندازه قلم متن، ترجمه و تفسیر برای مطالعه بهتر از منوی تنظیمات با قابلیت دسترسی در تمام قسمت های نرم افزار

۶- امکان تعامل با نرم افزار پژوهش یار به منظور ایجاد فهرست پژوهشی و درج حاشیه بر مطلب انتخاب شده

مَآرِسَةُ الْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نهج البلاغه

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

پیامدهای «شایعه پراکنی» در جامعه اسلامی

از منظر معظم له

از جمله بلاهای بزرگی که دامنگیر جوامع مختلف می شود و روح اجتماعی و تفاهم و همکاری را در میان آنها می کشد، مسأله شایعه سازی و نشر شایعات است، بطوری که گاه یک نفر منافق، مطلب نادرستی جعل می کند و آن را به چند نفر می گوید، و افرادی بدون تحقیق در نشر آن می کوشند، و شاید شاخ و برگهایی هم از خودشان به آن می افزایند. و در نتیجه آن مقدار قابل توجهی از نیرو و فکر و وقت مردم را مشغول ساخته واضطراب و نگرانی در مردم ایجاد می کنند.

شایعات؛ شاه کلید آفات زبانی

اگر چه اجتماعاتی که در فشار و خفقان قرار دارند گاهی شایعه سازی و نشر شایعات را به عنوان یک نوع مبارزه و یا انتقامجویی تعقیب می کنند ولی برای اجتماعات سالم نشر شایعات زیانهای فراوانی به بار می آورد؛ اگر شایعات در مورد افراد لایق، مثبت و مفید باشد آنها را در خدمات خود دلسرد می کند و گاهی حیثیت چندین ساله آنها را بر باد می دهد و مردم را از فواید وجود آنان محروم می سازد. به همین دلیل اسلام صریحاً با «شایعه سازی» مبارزه کرده و جعل و دروغ و تهمت و نشر شایعات را ممنوع می شمارد.

با همه این تفاسیر لیکن نه تنها در سطح افراد عادی، بلکه در سطح رسانه های دنیا طوفان خطرناکی از شایعه پراکنی نسبت به اشخاص و گروهها و کشورها در گرفته، که فضای جهان را تیره و تار ساخته است، و سرچشمه آن غفلت از تفاوت حق و باطل است، و متأسفانه مردم جهان هزینه سنگینی به خاطر آن می پردازند.

اما اگر بگویند که می گویند. یعنی انسان در مقام نقل شایعات بگوید می گویند، او از دروغ نجات پیدا می کند ولی عناوین محرمه بسیار بر آن

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

بیدین ترتیب شایعه پراکنی و پیروی از حدس و گمان و هر آنچه غیر از علم و یقین حاصل می شود، تبعات و پیامدهای برای فرد و جامعه ایجاد می کند که هریک به تنهایی ضایعات بزرگی دارد.

این که زبانش را حفظ کند».

امید است که همه ما آن جمله حضرت علی (علیه السلام) را که می فرماید: «اللِّسَانُ كَلْبٌ عَقُورٌ؛ زبان سگ درنده است» در نظر داشته باشیم، چون اگر آن را به بند نکشند، نه تنها دیگران بلکه خودش را هم می درد.

شایعه پراکنی؛ عامل اصلی هتک آبروی مومن

بدیهی است پیروی از غیر علم و شایعه پراکنی، آبروی افراد آبرومند را به خطر می اندازد و خدمتگذاران را دلسرد می کند، حال آنکه مؤمن در اسلام بسیار محترم است لذا نمی شود آبروی او را ریخت، به هر حال منع شایعه پراکنی حفظ آبرو و حیثیت انسانها است، و ثاباً جلوگیری از مفاسد فراوان اجتماعی و اخلاقی است که از این رهگذر دامان جامعه را می گیرد.

لیکن تأسف آور است که برخی مردم یک چوب کبریت را حَقِّ النَّاسِ می دانند، اما ریختن آبروی مسلمان را جزء حَقِّ النَّاسِ نمی دانند در حالی که در روایات می خوانیم «حُرْمَةُ عَرَضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ مَالِهِ وَدَمِهِ؛ احترام آبروی مؤمن مانند احترام مال و خونس است».

در اینجا آبرو و خون در کنار هم است که گاهی کشتن شخصیت یک انسان از کشتن جسم او مهم تر است. برخی حاضرند بمیرند ولی آبرویشان نرود. لذا حفظ آبروی دیگران بسیار مهم است. البته اگر این عناوین بر کلمه «می گویند» بار نشود مانعی ندارد.

اصولاً قرار گرفتن آبروی مؤمن در کنار مال و خون او دلیل روشنی است بر این که تضييع آبرو جنبه حق الناس دارد. پس حَقِّ النَّاسِ این است که چیزی از مردم ضایع شود، کسی که غیبت یا تهمت یا شایعاتی علیه یک مسلمان مطرح کند که در حقیقت آبروی او را که گاهی از مال و خونس هم بالاتر است

تباه کرده است.

ایجاد بدبینی در جامعه اسلامی در سایه شایعه پراکنی

پیروی از غیر علم، و ترویج شایعات روابط گرم و دوستانه را در خانه و بازار و همه جا به هم زده و مردم را به یکدیگر بدبین می سازد.

ترویج شایعات بی اساس از جمله آسیب های خطرناکی است که گاه عمداً از سوی مغرضان شایعه افکن برای برهم زدن نظم جامعه و گل آلود کردن آب منتشر می شود و گاه بر اثر اشتباهات صورت می گیرد؛ این چالش در حالی است که بسیاری از مردم همواره انتظار دارند خبر تازه ای بشنوند و عده ای لذت می برند از اینکه مسائل عجیب و غریب برای دیگران بازگو کنند و همین امر باعث پخش شایعات زاینبار می شود.

اینگونه است که اشرار با دروغ، تهمت و شایعه پراکنی سعی می کنند ذهن کسانی را که در جامعه در مصدر کاری هستند مشوش سازند و آنها را به مردم یا افراد خاصی بدبین کنند و از این ایجاد بدبینی و سوء ظن و اختلاف بهره گیرند.

شاعر عرب در این زمینه می گوید:

إِنْ يَسْمَعُوا الْخَيْرَ يُخْفَوُهُ وَإِنْ سَمِعُوا شَرًّا أَذَاعُوا وَإِنْ لَمْ يَسْمَعُوا كَذَبُوا

این (بد سیرتان) هرگاه سخن خوبی درباره کسی بشنوند پنهان می کنند و اگر سخن بدی بشنوند منتشر می سازند و اگر مطلقاً سخنی نشنوند دروغ می بافند.

شاعر دیگری می گوید:

إِنْ يَسْمَعُوا رَيْبَةً طَارُوا بِهَا فَرَحاً وَإِنْ ذُكِرَتْ بِخَيْرٍ عِنْدَهُمْ دَفَنُوا

هرگاه سخن مفسده انگیزی بشنوند از خوشحالی پرواز می کنند و اگر مطلب «ارجاف» به معنای اضطراب و تزلزل

خوبی از من نزد آنها گفته شود آن را همانجا دفن می کنند.

این بلایی است که در طول تاریخ بوده و هم اکنون نیز به شدت ادامه دارد و بخش مهمی از نابسامانی و بدبینی ها در جوامع مسلمانان از آن سرچشمه می گیرد. زیرا با شایعه پراکنی محیطی از سوء ظن و بدبینی بر جامعه حکم فرما می کند؛ بازار شایعه سازان داغ، و همه پاکدامنان در اذهان لکه دار می گردند.

اینجا است که باید با قاطعیت رفتار کرد، همان قاطعیتی که اسلام در برابر این اینگونه افراد بد زبان و آلوده ذهن نشان داده است؛ آری آنها باید جریمه شوند و به دست توانمند قانون سپرده شوند تا حیثیت مردم را بازیچه نگیرند.

تضعیف و تزلزل اعتماد عمومی

مهمترین سرمایه یک جامعه که مردم را با یکدیگر متحد می سازد، و در مسیر اهداف بزرگ به راه می اندازد، همان اعتماد عمومی است و از جمله مهمترین پیامد شوم شایعات، از میان بردن این سرمایه است؛ زیرا همگی نسبت به یکدیگر بدبین خواهند شد و در نتیجه نظم و انسجام عمومی جامعه متزلزل می شود.

لذا شایعه سازی اعتماد عمومی را متزلزل می سازد و افراد جامعه را در انجام دادن کارهای لازم سست و مردد می کند. اینگونه است که اسلام اهمیت فوق العاده ای به حفظ اعتماد عمومی و وحدت صفوف می دهد و هر چیزی را که لطمه ای بر آن وارد سازد حرام شمرده است. زیرا شایعات اعتماد بر گفتار و اعتماد بر عمل را بر باد می دهد.

بدین ترتیب شایعه سازان را می توان بر مبنای کلام وحی «مُرْجِفُونَ» دانست که به معنای اشاعه اباطیل، به منظور غمگین ساختن دیگران است، و اصل «ارجاف» به معنای اضطراب و تزلزل

است، و از آنجا که شایعات باطل، ایجاد اضطراب عمومی می کند، این واژه به آن اطلاق شده است.

گفتنی است یک جامعه سالم متکی به سرمایه های مختلفی است که از همه مهم تر، سرمایه اطمینان و اعتماد عمومی است؛ گاه یک شایعه خالی از صداقت کافی است که میان مسئولان و مردم در جامعه جدائی بیفکند. زیرا مردم به طور فطری در صورتی حاضرند به دستورهایی که به آنها داده می شود، عمل کنند که به صحت و درستی آن کاملاً اطمینان داشته باشند، یعنی هر اندازه ایمان و اعتماد انسان، نسبت به دستور یا برنامه ای کم شود، به همان مقدار از میزان علاقه او در عمل کردن به آن کاسته می گردد. در مقابل هر اندازه ایمان و اعتماد بیشتر گردد، علاقه انسان به عمل کردن بیشتر خواهد شد.

در حقیقت رواج شایعات به عنوان اقدام ناجوانمردانه در یک محیط، سبب به هم ریختن نظام و عدالت اجتماعی و آلوده شدن حق به باطل و گرفتار شدن بیگناه و تبرئه گنهکارو از میان رفتن اعتماد عمومی می شود.

شایعات ؛ ابزار جنگ نرم دشمنان در دین ستیزی

جعل و پخش شایعات دروغین و نگران کننده یکی از مهمترین شاخه های جنگ روانی توطئه گران است.

هنگامی که دشمن قادر نیست از طریق رویارویی صدمه ای وارد کند دست به پخش شایعات می زند، و از این طریق افکار عمومی را نگران و به خود مشغول ساخته و از مسائل ضروری و حساس منحرف می کند.

شایعه سازی یکی از سلاحهای مخرب برای جریحه دار ساختن حیثیت نیکان و پاکان و پراکنده ساختن مردم از اطراف آنها است. لیکن تأسّف آور این است که در جامعه شاهدیم اصرار برخی

رسانه های به ویژه در فضای مجازی در ترویج تهمت ها و افتراها و شایعات پایانی ندارد و برخی از آنها با جسارت تمام مقدّسات را نشانه گرفته اند که قلم از ذکر نمونه های آن شرم می کند.

آری در عصر و زمان کنونی، دشمن در جنگ روانی از همین وسیله بهره می گیرد. برای مردم عادی، مقامات بلندپایه سیاسی و مذهبی، و حتی مراجع بزرگوار تقلید شایعه می سازد. لذا مؤمنین باید مواظب باشند که نه شایعه بسازند، و نه به شایعه سازان کمک کنند، چرا که اشاعه شایعات دروغ و حتی مشکوک حرام است، و مجازاتی برابر با مجازات مفسدان فی الارض دارد. هم چنین اعتماد بر غیر علم و ترویج شایعه، به بازار شایعات و شایعه سازان رونق می دهد؛ از سوی دیگر پیروی از غیر علم، روحیه تحقیق و کنجکاوی را از انسان گرفته و او را فردی زودباور و ساده اندیش بار می آورد.

یکی از تعلیمات مهم و اساسی قرآن مجید به همه مسلمان ها، بلکه به همه انسان ها، این است که هیچ چیز را بدون دلیل نپذیرند. آری، از نظر اسلام پذیرش هر مطلبی توأم با دلیل قابل قبول است.

لذا در قرآن کریم می خوانیم: «هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ*»؛ دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید. «از این رو برای اثبات هر مطلبی در دنیا و آخرت و از سوی هر قوم و ملّتی باید دلیل و برهان ارائه شود و این فرهنگ بسیار عالی اگر در جامعه ای عملی شود جلوی خرافات و سخنان پوچ و بی اساس گرفته می شود و شایعات و جنجال ها و غوغاسالاری ها و تهمت ها و آتّهام ها در چنین جامعه ای نمی تواند موج ایجاد کند، تا موج سواران بر آن سوار شوند و در راستای منافع شخصی خود مقدّس ترین مقدّسات مردم را به مسلخ ببرند!

شایعات و تهدید امنیت اجتماعی

بدیهی است شایعات استقلال فکری را از بین می برد و روح را برای پذیرش هرگونه تبلیغات مسموم آماده می کند. پیروی از غیر علم، سرچشمه قضاوت ها و انتخاب های عجولانه در مورد هر کس و هر چیز است که این خود مایه انواع ناکامی ها و پشیمانی هاست. هم چنین شایعات سرچشمه پایمال شدن حقوق افراد یا دادن حق به غیر مستحق است.

باید دانست بسیاری از نابسامانی های اجتماعی از شایعه سازی و جوسازی و قضاوت های عجولانه و گمان های بی اساس و اخبار مشکوک و دروغ سرچشمه می گیرد. توسعه شایعه موجب می شود هرج و مرج در روابط اجتماعی همه جا فرا گیر شود. لذا هیچ کس از گمان بد دیگری در امان نخواهد بود. هیچ کس به دیگری اطمینان پیدا نخواهد کرد و آبرو و حیثیت افراد همواره در مخاطره خواهد بود. لذا توسعه شایعات نتیجه ای جز هرج و مرج اجتماعی و از بین رفتن روابط انسانی و پیوندهای عاطفی نخواهد داشت.

حال آنکه اسلام چشم و گوش انسان را مسؤول می شمرد؛ تا نبیند نگوید، تا نشنود قضاوت نکند و بدون تحقیق و علم و یقین، نه به چیزی معتقد شود، نه عمل کند و نه به داوری برخیزد.

فاصله بین حق و باطل

در بسیاری از موارد می بینیم برخی پای بند به کلام حق نیستند، و هر چه بر زبانشان جاری شد می گویند، به همین دلیل، نباید عیوب و گناهایی را که به اشخاص نسبت می دهند پذیرفت، چرا که ممکن است از همان گفتارهای باطل و بی اساسی باشد که بدون تحقیق و سنجیده به افراد نسبت می دهند، به خصوص این که می دانیم خداوند همه جا شاهد و ناظر است، و هر چه را می گوئیم مأموران ثبت اعمال می نویسند.

حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «أما إنّه لیس بین الحق و الباطل إلّا أربع أصابع؛ بدانید میان حق و باطل بیش از چهار انگشت فاصله نیست!»

این سخن در واقع اشاره به شایعاتی است که در میان مردم زبان به زبان می چرخد، و مردم به عنوان «می گویند و می سازند، که چیزی جز شایعات بی اساس نیست، بر مبنای آموزه های اسلامی نباید به شایعات اعتنا کرد، و افراد تا نبینند چیزی را به کسی نسبت ندهند.

کوتاه سخن این که، نه هر چه انسان می بیند حق است؛ چرا که گاه چشم خطا می کند، و نه هر چه می شنود باطل است؛ چرا که ممکن است گویندگان افراد عادل و ثقه و معتبر و دقیقی باشند، ولی در میان دیده ها خطا کم است، اما در میان شنیده ها سخن باطل بسیار است.

اگر مردم جهان همین جمله امام علیه السلام را به خاطر بسپارند، و همیشه و در همه جا به آن عمل کنند، به یقین خوش بینی و حسن ظن جای بدبینی و سوءظن، و اعتماد جای بی اعتمادی، و محبت جای نفرت و کینه تیزی را خواهد گرفت، و شایعات بی اساس درباره اشخاص و گروهها از رونق خواهد افتاد، و شایعه پردازان هرگز به اهداف شوم خود نخواهند رسید، و روح سلامت و خوش بینی بر جامعه حاکم می شود.

سخن آخر: (راهکار مقابله با شایعات)

در خاتمه باید عواقب دردناک ترویج و پذیرش شایعات را از راه های مختلف پی درپی به مردم گوشزد کرد و از آنها خواست که در آثار شوم پیروی از غیر علم بیندیشند.

در این زمینه قرآن کریم می فرماید:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن»، که به یکی از مهم ترین اصول زندگی اجتماعی اشاره شده است. لذا باید دانست هر سخنی که می گوئیم ثبت و ضبط می شود و هر گامی برمی داریم در حساب ما نوشته می شود و مسؤول تمام اعمال و قضاوت ها و اعتقادات خود هستیم.

از سوی دیگر باید سطح رشد فکری را بالا برد، زیرا پیروی از غیر علم اغلب کار عوام ساده لوح و ناآگاه است که با شنیدن یک شایعه بی اساس فوراً به آن می چسبند و داوری می کنند و آن را الگوی کار خود قرار می دهند.

بی تردید این کافی نیست که ما بدانیم چه انگیزه ای سبب شایعه سازی است، مهم آن است که جامعه را از اینکه آلت دست شایعه سازان گردد و به نشر آن کمک کند و با دست خود وسیله نابودی خویش را فراهم سازد بر حذر داریم، و به مردم توجه دهیم که باید هر شایعه را همانجا که می شنویم دفن کنیم و گر نه دشمن را خوشحال و پیروز ساخته ایم، بعلاوه مشمول عذاب الیم دنیا و آخرت خواهیم بود.

شکوه وحدت در آموزه های نبوی

از منظر معظم له

اسلام آئین وحدت و یگانگی است و از هر گونه نفاق و تفرقه و پراکندگی بیزار است،

از سوی دیگر دعوت به سوی وحدت، دعوت به سوی اسلام با تمام خصوصیات و دعوت به نقطه های مشترک مذاهب اسلامی است.

در این میان یکی از کارهای مهم رسول خدا صلی الله علیه و اله ایجاد وحدت صفوف و تشکیل جامعه واحد اسلامی و زدودن کینه ها از سینه ها بود. به نحوی که در قرآن کریم، وحدت کلمه مسلمانان به عنوان یکی از معجزات پیامبر اسلام معرفی شده است. وحدت مسلمانان در سایه ایمان، در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به وجود آمد، و از نعم بزرگ الهی محسوب شده و اختلاف و پراکندگی و نفاق را هم ردیف عذاب های زمینی و آسمانی می شمرد.

مسلمانان با هم برادرند

اخوت اسلامی و دوستی مسلمانان با یکدیگر از بدیهی ترین مسائل اسلامی است که از آغاز اسلام وجود داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله بارها آن را تبلیغ کرد و بر آن تأکید نهاد. لذا می بینیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، جامعه ظلمانی و فاسد و ننگین جاهلیت را به جامعه ای نورانی همراه با امنیت و ایمان و اخوت و برادری بر آن حاکم کرد.

در این زمینه پیامبر اکرم می فرماید: «المسلمون اخوه تکافؤ دماؤهم؛ مسلمانان برادرند و خونشان با یکدیگر برابر».

لذا جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» یکی از شعارهای اساسی و ریشه دار اسلامی است که مسلمانان را از هر نژاد و هر

قبیله، و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر برادر می داند.

به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمانها را در حکم یک خانواده می داند، و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می کند. در آموزه های نبوی نیز نیز روی این مسأله تأکید فراوان شده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يُظْلَمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يُسْلِمُهُ؛ مسلمان برادر مسلمان است، هرگز به او ستم نمی کند، دست از یاریش برنمی دارد، و او را در برابر حوادث تنها نمی گذارد».

در حدیث دیگری از همان حضرت صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛ دو برادر دینی همانند دو دستند که هر کدام دیگری را می شوید (با یکدیگر کمال همکاری را دارند و عیوب هم را پاک می کنند)».

گفتنی است در اسلام دو نوع برادری دیده میشود یکی برادری عمومی که تمام افراد مسلمان در آن مشترکند، و دیگری برادری خصوصی که از طریق عقد مواخاه (بستن پیمان برادری) حاصل میشود، و هر کدام از این دو نوع اخوت، تعهدات و وظائفی را دربر دارد.

نمونه «اخوت خصوصی» همان است که پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) ۵ ماه یا ۸ ماه بعد از آمدن به مدینه، میان یک دسته ۴۵ یا ۵۰ نفری از مهاجران، با دسته دیگری به همین تعداد از انصار برقرار ساخت، و میان بعضی از مهاجران نیز این معنی را ایجاد نمود. از جمله طبق روایتی که میان دانشمندان اسلام

شعله ای در دل ها افروخته شود که در قلوب مسلمانان نخستین بود و نصرت و پیروزی نیز تنها از همین راه اخوت اسلامی میسر است.

امت اسلامی باید در برابر دشمن ید واحده باشند

وحدت صفوف مسلمین مهمترین عامل پیروزی در نبرد با دشمن است. لذا لزوم وحدت صفوف مسلمین در مقاومت و پایداری در مقابل دشمن از جمله مهمترین راهبردهای عزت امت اسلامی است؛ شک امت اسلامی باید وحدت کلمه را در برابر دشمن حفظ کند و در یک صف همچون یک دیوار آهنین در مقابل دشمنان بایستند.

در این زمینه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «و هم ید علی من سواهم؛ و همگی (مسلمانان) به منزله یک دست در مقابل دشمنان هستند!»

این روایت یک حقیقت مهم روانی و اجتماعی را باز گو می کند و آن تعصب جاهلانه احزاب و گروههاست که هر یک راه و آئینی را برای خود برگزیده، و دریچه های مغز خود را به روی هر سخن دیگری بسته اند این حالت که از خودخواهی و حبّ ذات افراطی سر چشمه می گیرد بزرگترین دشمن تبیین حقایق و رسیدن به اتحاد و وحدت امتهاست.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در فراز روایی فوق، دستور می دهد که به هنگام مبارزه با دشمن، مسلمانان متفقاً و در صف واحد با آنها پیکار کنند، از این دستور استفاده می شود که حتی مبارزات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خود را در برابر آنان هماهنگ سازند، و تنها در سایه چنین وحدتی که از روح توحید اسلام سرچشمه می گیرد توانایی بر پیروزی در مقابل دشمن دارند، این همان دستوری است که مدتها است به دست فراموشی سپرده شده و یکی از علل انحطاط مسلمین محسوب می شود.

لذا ضرورت حفظ وحدت برای جلوگیری از تفرقه و مقابله با سوء استفاده دشمن از پراکندگی انکار ناپذیر است؛ به عنوان مثال؛ در اختلافات مذهبی فریق اسلامی، برای حفظ موجودیت هدف اصلی (قرآن و اسلام)، باید گاهی در مسائلی همانند جهاد که سبب توسعه اسلام در نقاط مختلف دنیا و آزادی اقوام و ملتها می گردد، آنها را تأیید نمایند، و یا به عنوان مثال، امروز در برابر دشمنان مشترکی که مسلمانان با آنها درگیر هستند، فریق مختلف اسلامی از این روش استفاده کرده و وحدت را حفظ کنند البته بدون این که عقیده خود را تغییر داده و در مذاهب دیگر که اصیل نیستند، هضم شوند و یا از بحث منطقی و دوستانه درباره حقایق مذهب خود ابا داشته باشند.

در این زمینه باید افزود کشورهای اسلامی از قدرت ویژه ای برخوردارند، به عنوان مثال از نظر جمعیت، فرهنگ اسلامی، مناطق سوق الجیشی، منابع زیرزمینی و امور دیگر در دنیا ممتازند، اگر کشورهای اسلامی دست به دست هم ندهند پامال دشمنان می شوند و اگر دست به دست هم بدهند می توانند در مقابل دشمنان سربلند و پیروز باشند.

احساس خطر و ضرر شدیدی که عدم وحدت در پی دارد باید انگیزه ای شود تا مسلمین در مقابل کشورهای قدرتمند به وحدت برسند، چرا که ظالمین با هم متحد شده اند تا مانع نفوذ اسلام در میان ملتها گردند.

حال بر فرض دشمن هم نداشته باشیم با وحدت می توانیم در جهان ترقی کرده و قدرت خود را عالم گیر کنیم و فرهنگ دینی اسلامی خود را گسترش بدهیم.

نقش اتحاد مسلمانان در بقای امت اسلامی

وحدت در ذات انسان نهفته شده و عالم، عالم وحدت است. تفرقه عللی دارد که اگر آنها را بشناسیم و از بین ببریم وحدت حاصل می شود.

یکی از علت های تفرقه، عدم ارتباط با همدیگر است، وقتی با یکدیگر در ارتباط نباشیم، و نسبت به هم شناخت نداشته باشیم حاضر نیستیم با یکدیگر همکاری کنیم.

در میان اهل سنت تبلیغ زیادی می شود که شیعه این قرآن مرسوم را قبول ندارد و قرآن دیگری دارد، اگر ببیند و قرآنها را موجود در مساجد و تفسیرهای ما را ببیند این بدبینی برطرف می شود.

یکی دیگر از علل تفرقه، آلت دست دشمنان شدن است، چرا که این دشمن است که فعالیت کرده و وهابیهها و سنی ها را در مقابل شیعه قرار داده است. برای از بین بردن این توطئه باید ارتباط زیادی بین شیعه و سنی برقرار شود تا منطق ما را بشنوند و از دور قضاوت نکنند.

لذا با تمام گفتگوهایی که در باره اثر اعجاز آمیز اتحاد در پیشرفت اهداف اجتماعی و سربلندی اجتماعات گفته شده است، می توان گفت هنوز اثر واقعی آن شناخته نشده است.

امروز سدهای عظیمی در نقاط مختلف جهان برپا شده که مبدء تولید بزرگترین نیروهای صنعتی است و سرزمینهای وسیعی را زیر پوشش آبیاری و روشنایی خود قرار داده است، اگر درست فکر کنیم می بینیم این قدرت عظیم چیزی جز نتیجه بهم پیوستن قدرتهای ناچیز دانه های باران نیست و آن گاه به اهمیت اتحاد و کوشش های دسته جمعی انسانها واقف می شویم.

در احادیث فراوانی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ما رسیده به لزوم و اهمیت این موضوع با عبارات مختلفی اشاره شده است: در یک مورد پیغمبر اکرم ص می فرماید: «المؤمن للمؤمن کالنبیان یشید بعضه بعضاً؛ افراد با ایمان نسبت بیکدیگر همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه می دارد».

آن حضرت در فرازی دیگر فرمود: «المؤمنون كالفنس الواحد؛ مؤمنان همچون یک روحند». و نیز میفرماید: مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد الواحد اذا اشتکی بعضه تداعی سائرہ بالسهر و الحمی؛ مثل افراد با ایمان در دوستی و نیکی بیکدیگر همچون اعضای یک پیکر است که چون بعضی از آن رنجور شود و به درد آید اعضای دیگر را قرار و آرامش نخواهد بود».

اختلاف و پیامدهای ناگوار آن در کلام نبوی

دعوت به اتحاد و همبستگی را می توان جزء دستوراتی که در سرلوحه برنامه های اسلامی قرار گرفته، شمرد که با تأکید فراوان در قرآن مجید از آن یاد شده است. لذا قرآن همگان را دعوت به اتحاد و نهی از تفرقه می کند و نسبت به بازگشت به اختلافات و نفاق های جاهلیت هشدار می دهد و افراد پراکنده را بر لب پرتگاهی از آتش شمرده و تنازع و اختلاف را سرچشمه سست شدن جامعه و از میان رفتن قدرت و شوکت آن می شمرد.

از سوی دیگر هر انسانی مخصوصاً در عصر ما درک می کند که اتحاد و رفع اختلاف یکی از لازمترین اموری است که بشر در ادامه زندگی اجتماعی به آن نیازمند می باشد. از آن جهت که اختلاف افکنی و سوءظن مایه ویرانی جامعه و بدبختی انسان ها و تشّت کارها و ناراحتی روح و جسم است با این اختلاف و تشّت، باز گرداندن مردم به وحدت عصر رسول الله کار بسیار مشکل و پیچیده ای است و انتظارات آنها حدّ و مرزی ندارد.

بر این اساس پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ؛ هر که از جماعت جدا شود به راه و رسم جاهلیت بمیرد».

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) در این

فراز کوتاه تبعات مختلف اختلاف افکنی در نابودی امت اسلامی را ترسیم می کند بدیهی است تا وضع سابق مردم، یعنی قبل از قیام رسول خدا، دقیقاً ترسیم نشود، عظمت اهتمام پیامبر (صلی الله علیه وآله) به وحدت اسلامی به طور کامل روشن نخواهد شد. همیشه این گونه مقایسه هاست که عظمت کار و برنامه انبیا و مردان بزرگ را در طول تاریخ مشخص می کند.

تعبیر مرگ جاهلی از آن حضرت برای تفرقه گرایان نشان می دهد تفرقه گرایی و شیوع اختلافات در عصر جاهلیت اختلافات صوری و در شاخ و برگ نبود، بلکه اختلافات اصولی و بنیادین بود.

بلکه این تعبیر اشاره ای است به این معنی که حتی پایه های فطرت انسانی و اصول شناخته شده فطری مانند توحید و عشق به نیکیها و پاکیزه همه متزلزل شده بود و یا نظام ارزشی جامعه بسیار متفاوت گشته و هر گروهی با معیار جداگانه ای با مسائل برخورد داشتند و همین عامل اساسی تشّت امور بود.

لذا اختلاف فوق العاده مذاهب عصر جاهلیت و نیز تشّت و پراکندگی در همه امور اجتماعی، چه امر دین و چه دنیا، چه مسائل مربوط به اجتماع و چه خانواده، چه مسائل اقتصادی، یا اخلاقی حاکی از عدم حیات واقعی جامعه تفرقه گراست، جامعه ای که در شک و تردید و بی ایمانی و انواع اختلافات و پراکندگی و فساد غوطه ور است و راه گریزی نیز از آن ندارد به طوری که یأس و ناامیدی سر تا پای وجود او را فرا گرفته است.

این معلّم بزرگ عالم انسانیت فریاد خویش را در لا به لای این تعبیرات آشکار ساخته و به مردم عصر خود هشدار می دهد که چشم باز کنند و از خطراتی که آینده جامعه اسلامی را به خاطر اختلاف افکنی شدیداً تهدید می کند، آگاه شوند.

آری باید بگوئیم اگر می خواهید با تبعیت از آموزه های نبوی، نفاق و تفرقه

برچیده شود بیائید بجای تهمت به یکدیگر، همدیگر را آن چنان که هستیم بشناسیم، زیرا این گونه نسبتهای ناروا نه تنها به وحدت اسلام کمک نمی کند، بلکه ضربه محکمی بر پایه های وحدت اسلامی می زند.

سخن آخر: (پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)؛ محور وحدت مسلمانان و رمز بقای اسلام)

بی شک نسیم حیات بخش رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) گوش های مسلمانان راستین را می نوازد و بر جان بدخواهان اضطراب می افکند و یکی از رموز بقای اسلام است. شاهد این گفتار، اعتراف صریح گلاستون، از سیاستمداران طراز اول انگلیس است که در برابر جمعی از مسیحیان چنین اظهار داشت: تا نام محمد(صلی الله علیه وآله) در مأذنه ها بلند است و کعبه پابرجاست و قرآن راهنمای مسلمانان است امکان ندارد پایه های سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار و برقرار شود.

لذا آموزه های وحدت آفرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مقام شامخ او فراموش نشود؛ لازمه آن این است که اسلام و برنامه های اسلامی با رویکرد اتحاد امت اسلامی متروک نشود؛ در این بین نام مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله محور کلیدی وحدت اسلامی و رمز بقای اسلام است.

امیدواریم ابرهای تاریک بدبینی و تعصّب از افق آسمان اسلام کنار برود؛ سمپاشی هایی که مایه تفرقه و پراکندگی صفوف مسلمانان است و به وسیله افراد بی اطلاع و معصّب می شود، خاتمه پیدا کند.

امید است در سایه این بحثها پیوندهای محبت و دوستی در میان مسلمانان محکم گردد و آثار خصومت و دشمنی در جوامع اسلامی برچیده شود.

پرونده ویژه

جریان شایعه پراکنی بی اساس رسانه ای بر ضد مرجعیت

حال با این تفاسیر بهتر می توان رفتارهای تأمل برانگیز این جریان را دریافت. که در مورد اول واکنشی عجیب به انتقاد نسبت به نظر معظم له درباره ورود زنان به ورزشگاه در توئیتر خود نوشت: «خوب است جناب ایشان درباره بدهی های کلان معوق جناب مدلل به بانک سرمایه هم توضیح بدهند».

دنبال کنید

محمود صادقی
@mah_sadeghi

خوب است جناب ایشان درباره بدهی های کلان معوق جناب مدلل به بانک سرمایه هم توضیح بدهند.

خبرگزاری ایسنا @isna_farsi
آیت الله مکارم شیرازی:
ورود زنان به ورزشگاه نباید مطرح شود/ رهبری و مراجع مخالف هستند/ مگر مشکل کشور ما ورود زنان به ورزشگاه است؟
isna.ir/news/960908039...

۲۳:۵۱ - ۸ آذر ۱۳۹۶ ه.ش.

این گونه اتهام زنی و توهین نسبت به مقام شامخ معظم له با استقبال گسترده دین ستیزان در رسانه های غربی قرار گرفته و آنها نیز در این زمینه داد سخن داده اند.

سرچشمه این مسأله

البته باید دانست نخستین بار در سال ۱۳۸۵ گویا نیوز (رسانه وابسته به سازمان سیا) تهمت ارتباط با آقای مدلل را نسبت به آیت الله العظمی مکارم شیرازی مطرح کرد. در سال های اخیر شبکه های ضد ایرانی صدای آمریکا به عنوان ارگان رسمی وزارت امور خارجه آمریکا نیز این اتهام را به انحاء مختلف در فضای مجازی منتشر ساخت.

این تهمت به دفعات در رسانه های غربی صهیونیستی و حتی برخی عناصر غربگرا در داخل کشور در مقاطع مختلف تکرار شد و حال ۱۱ سال پس از اتهام زنی رسانه های صهیونیستی آن نغمه بار دیگر ساز شده است.

آیا ممکن نبود کسانی که دنباله این اتهام دروغین را گرفته اند راستی آزمایی کنند؟ به یقین آنها می توانستند در جستجوی ساده تکذیبیه دفتر معظم له که در تاریخ ۱۶ مرداد سال جاری برای چندمین بار در پاسخ به شایعه پراکنی یک شبکه معاند منتشر شده بود را مشاهده کنند، در این متن که با عنوان یک تذکر لازم از سوی دفتر معظم له منتشر شد، به صراحت این شایعه تکذیب شده بود و در این متن چنین آمده: «اخیراً دوباره داستان دروغین داماد تاجری به نام مدلل با حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در بعضی از سایت ها آمده است، مکرر از معظم له شنیده ایم که هرگز نامبرده را ندیده و نمی شناسند و هیچ گونه رابطه ای با ایشان نداشته و ندارند».

در مورد دیگر که روزنامه ی اعتماد بودجه ۳۰۵ میلیارد تومانی جامعه المصطفی را

مطلبی از سوی یکی از مخاطبان پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له به دست ما رسیده است که با توجه به اهمیت مطلب عیناً منتشر می گردد:

جریان شایعه پراکنی بی اساس رسانه ای بر ضد مرجعیت

بسم الله الرحمن الرحيم

التهاب آفرینی و خبرسازی بی اساس یکی از نمایندگان مجلس بر ضد مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی(مدظله) و انتشار دروغی دیگر با فاصله ای اندک توسط روزنامه ای که مدیر مسئول آن نیز نماینده مجلس بود از جمله اخبار تأمل برانگیز در فضای رسانه ای کشور به شمار می رود که از زوایای مختلف قابل تحلیل و بررسی است.

بدیهی است یکی از مهم ترین تاکتیک های جنگ روانی دشمن ایجاد و پخش شایعه بر ضد منافع جامعه است. این پدیده می تواند امنیت روانی و زندگی مردم را تا حدّ زیادی مختل کند، استفاده بی حدّ و حصر از فضای مجازی از قبیل توئیتر، تلگرام و اینستاگرام از یکسو و نیز فقر دانشی در فضای مجازی در میان گروهی از کاربران و همچنین ترویج عامدانه و هدفمند شایعات توسط برخی گروه ها و جریانات سیاسی غربگرا تبعات جبران ناپذیری در جامعه به همراه دارد.

همچنین باید دانست نفس بحران سازی و ایجاد شایعه در نهایت به تشویش افکار عمومی، ترویج خشونت و قطب گرایی و اقدامات غیرمنطقی و ادامه نزع های بدون راه حل می شود.

پایگاه اطلاع رسانی فقیرانه آیت‌الله مکارم شیرازی

مرب ساری بر اساس

از سوی دفتر معظم له منتشر شد:

یک تذکر لازم

مکرر از معظم له شنیده ایم که هرگز نامبرده را ندیده و نمی شناسم و هیچگونه رابطه ای با ما نداشته و ندارد.

اخیرا دوباره داستان دروغین رابطه دامادی تاجر به نام مدلل با حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) در بعضی از سایت ها آمده است! مکرر از معظم له شنیده ایم که هرگز نامبرده را ندیده و نمی شناسم و هیچگونه رابطه ای با ما نداشته و ندارد. اما آنها که نه ایمان دارند و نه وجدان، از تکرار دروغ های خود ابا ندارند.

سپس در ادامه، اضافه کرده اند که کار این افراد، مانند وهابیت است که بارها با دلایل مختلف اثبات کرده ایم که شیعه قائل به تحریف نبوده و نیست و در کتب تفسیری و علوم اصول و ... همه این دلایل را آورده ایم، اما همه این دلایل را می شنوند و دوباره می گویند که چرا شیعه قائل به تحریف است!

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۵/۱۶

(مرکز طلاب خارجی از کشورهای مختلف دنیا) در اختیار معظم له اعلام کرده ، و این سخن را پخش نموده، می توانست با مراجعه ساده ای به سایت جامعه المصطفی از ساختار و گردانندگان مطلع شود و معلوم گردد که جامعه المصطفی هیچ ارتباطی با حضرت آیت الله العظمی مکارم ندارد.

پرده شایعه پراکنی و دیگر اقدامات دین ستیزان را بر ضد مقدسات و مرجعیت محترم برملا سازد.

به راستی تکرار اتهامات خلاف بر ضد مرجعیت توسط عده ای این سؤال را به ذهن متبادر می کند که این جریان تا چه زمانی قرار است به عنوان پیاده نظام جریان ضد انقلاب ادامه یابد؟ بی تردید تبیین این مسأله می تواند پشت



تکذیب، و سپس عذرخواهی

نماینده ای که در توئیتر خود این نسبت را ذکر کرده بود بعد از ۴۸ ساعت به ناچار تکذیب کرد. نخست در توئیتر خود نوشت: «بنا بر اطلاعات اولیه تصور بر این بود که این فرد (شخص مدلل، بدهکار بانک سرمایه) دارای رابطه کاری با آیت الله مکارم شیرازی است، اما با تحقیقات بعدی و نیز توضیحات فرزند ایشان محرز شد نامبرده هیچ گونه ای رابطه مالی یا نسبتی با ایشان ندارد.»

محمود صادقی
@mah_sadeghi

Follow

لازم به ذکر است یکی از بدهکاران عمده بانک سرمایه، آقای سامان #مدلل است؛ بنابر اطلاعات اولیه تصور براین بود که این فرد دارای رابطه کاری با آیه الله #مکارم شیرازی دارد. اما با تحقیقات بعدی و نیز توضیحات فرزند ایشان محرز شد نامبرده هیچگونه رابطه مالی یا نسبتی با ایشان ندارد.

پایگاه اطلاع رسانی فقیرانه آیت‌الله مکارم شیرازی

مرب ساری بر اساس

از سوی دفتر معظم له منتشر شد:

توضیح لازم

بدین وسیله اعلام می دارد چنانچه جناب آقای صادق این موضوع را تکذیب و عذرخواهی نماید مشکلی نیست و الا از طرق قضایی قابل تعقیب است.

بسم الله الرحمن الرحیم

متنی است خبری سرناپا دروغ به وسیله بندهای مرجعیت شیعه در بعضی از فضاهای مجازی منتشر گردانده که آقای به نام مدلل داماد حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی است و او تاجر شکر و بندهکار مهم بانکی است. در حالی که معظم له نه چنین دامادی دارد و نه حتی این شخص را دیده است. اخیراً یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به نام آقای محمود صادقی با عبارت "خوب است جناب ایشان درباره بنده های کلان معوق جناب مدلل به بانک سرمایه هم توضیح بدهند" به این شایعه دامن زده و به نوب این دروغ را در توئیتر خود نسبت به معظم له تکرار کرده است. بدین وسیله اعلام می دارد چنانچه جناب آقای صادق این موضوع را تکذیب و عذرخواهی نماید مشکلی نیست و الا از طرق قضایی قابل تعقیب است. خداوند به همگان توفیق عمل به وظایف الهی خود را بخشد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۷/۱۳

لازم به ذکر است دفتر معظم له از باب رأفت و عفو و گذشت نسبت به شخص مزبور در متنی با عنوان توضیح لازم که در سایت رسمی معظم له منتشر شد، واکنش نشان داده و این چنین هشدار داد: «بدین وسیله اعلام می دارد چنانچه جناب آقای ... این موضوع را تکذیب و عذرخواهی نماید مشکلی نیست و الا از طرق قضایی قابل تعقیب است.»

پس از این موضع قاطعانه در مقابل جریان مزبور شخص نامبرده در گفتگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس این چنین عنوان کرد که: «پس از اینکه برای ما محرز شد که ارتباط کاری بین مدلل و آیت الله العظمی مکارم اصلاً وجود ندارد این را در توئیتر خود اعلام کردم و اکنون هم اعلام می‌کنم که اگر احساس کردند جسارتی به ایشان شده بنده چنین قصدی نداشتم و اگر چنین برداشتی شده بنده از ایشان پوزش می‌خواهم».

در گفت‌وگو با فارس

«محمود صادقی» از آیت‌الله مکارم شیرازی عذرخواهی کرد



نماینده مردم تهران در مجلس گفت: اگر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی احساس کردند که جسارتی به ایشان شده است، بنده چنین قصدی نداشتم و اگر چنین برداشتی شده بنده از ایشان پوزش می‌خواهم.

محمود صادقی نماینده مردم تهران و عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، توضیحاتی درباره انتشار مطلبی درباره آیت‌الله مکارم شیرازی ارائه و از این مرجع تقلید عذرخواهی کرد.

وی در همین زمینه اظهار داشت: بنده توضیحات لازم را در تویتهای بعدی و همچنین سخنرانی‌ام در دانشگاه گیلان ارائه دادم.

وی افزود: چون در متنی که ابتدائاً نوشتم صرفاً درخواست توضیح داشتم و هیچ گونه خبر و اتهامی به کسی وارد نکردم و به دلیل برخی اطلاعاتی مبنی بر رابطه کاری و اقتصادی - نه نسبی یا سببی- یکی از این بدهکاران با آیت‌الله العظمی مکارم، بنده فقط خواستار توضیح شدم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی همچنین تصریح کرد: پس از انتشار آن مطلب، بنده عنوان کردم که این مدلل هیچ گونه رابطه‌ای با آیت‌الله العظمی مکارم ندارد؛ روز گذشته هم در دانشگاه گیلان به این موضوع اشاره کردم.

صادقی بر همین اساس اضافه کرد: پس از تحقیقات صورت گرفته (و از آنجایی که فرزند ایشان با بنده تماس داشت و همچنین توضیحات کسانی هم که با آقای مدلل‌ها مرتبط بودند) محرز شد که آقای سامان مدلل -که جزء بدهکاران است- هیچ ارتباطی با آیت‌الله مکارم شیرازی ندارد؛ روز گذشته هم در سخنرانی علنی که در دانشگاه گیلان داشتم به این نکته اشاره کردم که امیدواریم ایشان پوزش ما را بپذیرند و معذرت‌خواهی کردم.

وی بر همین اساس اضافه کرد: بنده از مریدان ایشان از دوران نوجوانی بودم و از زمانی که هم از طریق ارتباطی که به واسطه مجله مکتب اسلام و کتابهای مذهبی برای نسل جدید با جوانان و نوجوانان ارتباط برقرار می‌کردند، ایشان را می‌شناختم.

صادقی ادامه داد: بنده با حفظ احترام به آیت‌الله العظمی مکارم و به عنوان یک نماینده مجلس که به دنبال شفاف‌سازی هستم، درخواست توضیح کردم بدون اینکه خبر یا نسبتی را به کسی بدهم.

وی همچنین عنوان کرد که پس از اینکه برای ما محرز شد که ارتباط کاری بین مدلل و آیت‌الله العظمی مکارم اصلاً وجود ندارد این را در توئیتر خود اعلام کردم و اکنون هم اعلام می‌کنم که اگر احساس کردند که جسارتی به ایشان شده بنده چنین قصدی نداشتم و اگر چنین برداشتی شده بنده از ایشان پوزش می‌خواهم.

اتهای پیام/

پوزش بابت یک خطای رسانه ای

کد ۱۴۸۷۵۵ | خبر | سیاسی | اجزای و شخصیت ها | ۱۳۹۶/۰۹/۲۰



اعتمادآنلاین بابت درج نام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی به عنوان مسئول یک موسسه فرهنگی عذرخواهی می‌کند.

اعتمادآنلاین | روز یکشنبه در خبر منتشر شده با عنوان «تهادها و موسسات وابسته به چهره‌های مذهبی و سیاسی چه سهمی از بودجه ۹۷ دارند؟» به اشتباه نام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی به عنوان مسئول یکی از موسسات فرهنگی عنوان شده بود که در ادامه به سرعت تصحیح شد. بدین ترتیب تحریریه اعتمادآنلاین مراتب عذرخواهی خود را از آن مرجع عالیقدر اعلام می‌دارد. همچنین در تصویر ضمیمه این خبر انتشار اسامی افرادی همچون حضرت حجت‌السلام و المسلمین سیدحسن خمینی در کنار بودجه موسسات تحت مدیریت آن بزرگوار، این تصور دور از ذهن را برای برخی مخاطبان ایجاد نمود که این بودجه به شخص ایشان تعلق خواهد گرفت که بدین ترتیب از این سوءبرداشت پیش آمده نیز پوزش می‌طلبیم. شایان ذکر است اعتمادآنلاین همواره قدران زحمات بزرگانی که در حوزه فرهنگ ایران اسلامی تلاش می‌کنند بوده و خواهد بود.

در پایان لازم به توضیح است روز گذشته با توجه به ارائه لایحه بودجه به مجلس، اعتمادآنلاین به عنوان یک رسانه تلاش داشت تا با تولید اینفوگرافی و ساده‌نمایی اعداد بودجه به آگاهی افکار عمومی کمک کند. اما با توجه به حجم بالای اخبار مربوط به ارائه بودجه، متأسفانه گرفتار این خطای سهوی شد.

پوزش بابت یک خطای رسانه ای

اعتماد آنلایین بابت درج نام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به عنوان مسئول یک مؤسسه فرهنگی (در قم) عذرخواهی می‌کند.

اعتماد آنلایین روز یکشنبه در خبر منتشرشده با عنوان نهادها و مؤسسات وابسته به چهره های مذهبی و سیاسی چه سهمی از بودجه ۹۷ دارند به اشتباه نام حضرت آیت الله مکارم شیرازی به عنوان یکی از مؤسسات فرهنگی قم عنوان شده بود که در ادامه به سرعت تصحیح شد. بدین ترتیب تحریریه اعتمادآنلاین مراتب عذرخواهی خود را از آن مرجع عالیقدر اعلام می‌دارد».

در پایان لازم این توضیح است که این جریانات در آینده نیز ممکن است به صورت های مختلفی ادامه یابد، جامعه صورت های مختلفی ادامه یابد، جامعه ما باید باهوش باشد، و بدانند هدف یک جنگ روانی تمام عیار قرار گرفته اند که یکی از ابزارش شایعه پراکنی های دروغین در رسانه ها و تحریک افراد به پخش این شایعه هاست. البته کسانی که ایمان به حساب و کتاب و روز رستخیز ندارند تکلیفشان مشخص است اما آنهایی که عقیده به این حقیقت مذهبی دارند باید مراقب آخرت خویش باشند و گرفتار چنگال شایعه پراکنان نشوند.

یکی از ارادتمندان مرجعیت

بازخوانی گفتمان بسیج از منظر معظم له

در وهله نخست هفته بسیج و سالروز تشکیل بسیج مستضعفین و موفقیت‌ها و دستاوردهای بی بدیل آن نهاد انقلابی را به تمامی بسیجیان عزیز تبریک می‌گوییم.

گاهی مردم در شناخت ارزش‌ها گرفتار اشتباه می‌شوند، ارزش واقعی را رها کرده و به دنبال مسائلی می‌روند که از نظر ارزشی در درجات بعد قرار گرفته است. در چنین مواردی برای بیان حقیقت افتخار و مباحثات نه تنها مانعی ندارد بلکه گاهی یک وظیفه است

در این میان بسیج مجموعه پرارزشی است که فضاهای معرفتی جامعه را به خود اختصاص داده است؛ لیکن بهره‌گیری صحیح از آن مرهون شناخت و معرفت کافی آن است، لذا مسئولان بسیج را به اطلاع‌رسانی کافی از سیر گفتمانی آن شجره طیبه، به افکار عمومی توصیه می‌کنم تا مردم قدر این نهاد ارزشی را بیش‌ازپیش بدانند.

خاستگاه گفتمانی بسیج مردمی در اسلام

تشکیل بسیج مردمی ناظر به مقاومت در ابعاد مختلف جهاد اسلامی است که نشان دهنده شکل خاص نیروهای نظامی و ویژگی‌های آن در حکومت اسلامی است.

لازم به ذکر است در کنار نیروهای نظامی در حکومت اسلامی، نقش بسیج و نیروهای مردمی در جای خود محفوظ است، بلکه بدون آن کار گروه‌های نظامی، بازدهی مطلوب ندارد، همانگونه که نقش این نیروی عظیم را در جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق به خوبی مشاهده کردیم؛ که اگر آنها نبودند، بخش‌های

عظیمی از ایران در برابر تهاجم عراق به کلی از دست می‌رفت و این نیروی عظیم بسیج بود که سپاهیان صدام را که از سوی قدرت‌های بزرگ کاملاً حمایت می‌شد، عقب راند و ناکام کرد.

بنابراین اگر بعضی تصور کنند؛ که مسأله بسیج مردمی مخصوص زمانی بوده است؛ که فنون نظامی پیچیده امروز وجود نداشت مانند عصر پیامبر صلی الله علیه و آله سخت در اشتباه‌اند؛ امروز نیز نقش بسیج مردمی در دفاع از کشورهای اسلامی به ویژه در پیروزی ارتش مردمی سوریه و بسیج مردمی عراق در برابر داعش جای انکار نیست.

اگر بسیج در جای دیگر دنیا کمتر وجود دارد، و دولت‌های پیشرفته صنعتی هرگز نمی‌توانند از آن استفاده کنند؛ به خاطر آن است که اعتقاد به وجوب جهاد به عنوان یک فریضه بزرگ الهی در میان آنها نیست، و آنها نبرد را تنها وظیفه دولت می‌دانند ولی در اسلام جهاد وظیفه فرد فرد مسلمانان است.

ارزش والای شهادت و عظمت مقام شهیدان در اسلام چیزی نیست که در جای دیگری وجود داشته باشد، به همین دلیل انگیزه بسیجی تقریباً در میان دیگران نیست، ولی در میان مسلمین همیشه وجود داشته و دارد.

البته در کشورهایی که این اعتقاد و فرهنگ حاکم نیست وقتی وارد به استخوانشان برسد، و کشورشان در معرض نابودی قرار گیرد، ممکن است نیروی بسیج مردمی تشکیل شود، ولی در اسلام همیشه و در همه حال این نیرو وجود دارد.

بنابراین «حکومت اسلامی» با ارج نهادن بر این فرهنگ دینی باید برای نیروی بسیج مردمی حتی در حال صلح، اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شود؛ بلکه باید بسیجیان را تدریجاً با فنون نظامی پیشرفته عصر و زمان آشنا سازد؛ تا به هنگام خطر بتواند تمام کسانی را که قدرت حمل اسلحه دارند به میدان نبرد بفرستد.

آری حکومت اسلامی هرگز نباید سنت اسلام را در استفاده از نیروی بسیج مردمی نادیده بگیرد.

مردم‌گرایی؛ مهمترین شاخصه معرفتی بسیج

بر خلاف حکومت‌های استکباری که مسأله استبداد رأی و ترجیح دادن تمایلات شخصی بر منافع مردم مطرح است، لیکن در حکومت اسلامی که بر اساس اراده الله شکل می‌گیرد، خداوند اراده‌ای جز تأمین مصالح واقعی بندگانش ندارد، این نوع حکومت در حکومت انبیاء و جانشینان راستین آنها و کسانی که خط انبیاء را ادامه می‌دهند دیده می‌شود، و در دنیا بسیار کم است. به تعبیر دیگر مردم‌سالاری دینی که نه تنها منافع مردم کشور خود، بلکه منافع کشورهای همسایه و تمام دنیا (رضای خلق) را باید تأمین کند.

حال این برنامه را با آنچه که در دنیای امروز وجود دارد و شعار حمایت از خلق می‌دهند، مقایسه کنید؛ مسئله دموکراسی، حقوق بشر و آزادی انسانها امروزه شعاری ریاکارانه در تمام دنیای غرب است؛ وقتی می‌گویند دموکراسی منظورشان جامعه‌ای است که حافظ منافع آنها باشد. اگر حکومتی در

خدمتشان باشد از لیست سپاه خارج است و اگر حکومتی در مقابل آنها و مخالف برنامه‌های آنها باشد، در لیست سپاه جای دارد. اینها در شعارهایشان فریبکارند. باید جوانان را بیدار کرد و بیچاره‌کسانی که آلت دست آنها هستند؛ تا آنجا که به دردشان بخورند می‌دوشند و وقتی به دردشان نخوردند دور می‌اندازند.

لیکن اسلام با گفتمان بسیج بهترین راه را برای مردمی بودن، معرفی می‌کند؛ اگر ما مسائل مردمی اسلام را پررنگ نشان داده و عمل کنیم جاذبه اسلام چند برابر می‌شود و وقتی مردم ببینند که من به صورت متکلم وحده سخن نمی‌گویم و همه جا منافع مردم را در نظر می‌گیرم به این آیین و گفتمان برآمده از آن گرایش می‌یابند.

بدین ترتیب شجره طیبه بسیج منبعث از اختیار و اراده‌ی آحاد مردم است؛ از این رو حضور مردم به ویژه جوانان به‌عنوان قاطبه بسیج و محدود نبودن بسیج به قشر خاص، از جمله دلایل کلیدی است که سبب شده تمام جامعه را در برگرفته و موجب پیشرفت کار بسیج شود. به نحوی که که فایده و قسمت مهم منافعش برای مردم و جامعه است.

اینگونه است که رویکرد بسیج به گونه‌ای است که وقتی کاری را که منافع بیشتر و اشتغال‌زایی کمتری دارد رها کرده و کاری را که اشتغال‌زایی بیشتر و منافع کمتری دارد، انتخاب می‌کند تا مردم بیشتری از آن نفع ببرند.

بسیج، درد اصلی جامعه را شناخته است

این مسأله راهبردی نشانگر این است که نهاد بسیج به جنبه مردمی اهمیت بیشتری می‌دهد، در میان غربیها کجا سراغ از دفاع مظلوم دارید؟! آنها به دنبال حفظ منافع خود هستند. ما باید شعارهای مردمی اسلام را در ساحت بسیج، در سخن و عمل تبلیغ کنیم تا

جاذبه اسلام، دنیا را بگیرد.

بنابراین با توجه به تأکیدات دین مبین اسلام، همواره کمک به مردم و انسان‌ها از دستورات اصلی بوده که بحمدالله بسیج به آن توجه می‌نماید به نحوی که رویکردهای بسیج در خصوص خدمت‌رسانی به مردم تحسین برانگیز است.

آری بسیج، نقاط اصلی درد جامعه را یافته و می‌داند که شناخت مشکلات و دردها، نیمی از معالجه است که الحمدالله بسیج وارد آن شده است؛ به عنوان نمونه زلزله زدگان، مشکلات زیادی دارند که به ویژه با فرارسیدن زمستان، سختی‌هایشان نیز بیشتر می‌شود که باید سرپناه مطمئنی برای آنان احداث نمود؛ در این میان خدمات بسیج در مناطق زلزله زده بسیار ارزشمند است.

انگیزه الهی بسیج و نفی سکولاریسم

بی تردید انگیزه‌ی بسیج به مانند سپاه و ارتش، دینی، مکتبی و مذهبی است. لذا با انگیزه وارد میدان می‌شوند؛ مخصوصاً که همه تحت یک فرماندهی و یک پرچم جمع شده‌اند. لیکن دنیای استکبار متشکل از افرادی بسیار بی‌منطق است؛ آمریکایی‌ها با پول هنگفت و دلار سربازها را به میدان می‌فرستند و سربازهای آنها هم دائماً در فکر فرار هستند.

حال آنکه پیروزی ما در جنگ تحمیلی هشت ساله بر همه ثابت کرد که در آن روز که نه ارتشی در کار بود نه معلوم بود سلاح دست کیست و نه برنامه ریزی دفاعی داشتیم. دشمن ما در حد اعلا‌ی

امکانات و ما در حد ادنای امکانات بودیم، ولی با لطف خداوند و رهبری امام و کمک گرفتن از نیروی مذهب و استفاده از نیروی شهادت بعد از هشت سال بدون اینکه حتی یک وجب از خاک ما به دست دشمن بیفتد جنگ به اتمام رسید؛ زیرا که ما هر چه در برنامه‌های انقلاب داشتیم از نیروی مذهب بود. بهره گرفتن از نماز شب، دعا‌های کمیل و ندبه، شروع عملیات با اسامی اهل بیت(علیهم

السلام) و موارد دیگر. خود انقلاب را هم با استفاده از فلسفه‌ی عاشورا و کمک گرفتن از نیروی مذهب جلو بردیم. امروز هم اگر دشمن به ما حمله نمی‌کند به دلیل ترس او از همین نیرو است زیرا می‌داند که اگر به ما حمله کند، بسیجیان، و دیگر قوای نظامی جلو می‌آیند و پروائی از کشته شدن هم ندارند.

لذا بسیج در حکومت دینی، اجرای قوانین حکومت اسلامی را جزء فرایض و واجبات الهی می‌شمرد و به آن به صورت یک وظیفه دینی نگاه می‌کنند و همین، انگیزه نیرومندی برای اجرای آن ایجاد می‌کند تا آنجا که بسیاری از افراد حاضرند در قالب بسیج مردمی جان خود را نیز فدا کنند و شهادت را که از افتخارات بزرگ است پذیرا شوند. این مهم و آثار مثبت دیگری که در حکومت‌های دینی است آن را از حکومت غیر دینی جدا می‌سازد.

از سوی دیگر حکومت‌های غیر دینی و سکولار با کنار گذاشتن آموزه‌های دینی و نقش خداوند در زندگی بشر در حقیقت اومانیسیم و انسان‌محوری و تکیه بر عمل و تجربه‌گرایی و بی‌نیازی از وحی را به ازمغان گذاشته‌اند و آن‌گاه که بشر بخواهد در زمین خدایی کند نتایج آن وحشتناک خواهد بود. بی‌جهت نیست که قدرت‌های شیطنانی در سند ۲۰۳۰، در تعریف واژه خشونت، که عقاید و افعال مذهبی، را به نظر آن‌ها شامل می‌شود. سپاه و بسیج ما را نیز مصداق خشونت قلمداد کردند.

اینچنین است که می‌گوییم با توجه به انگیزه بسیج که یک انگیزه الهی است و یک انگیزه فوق‌العاده قوی است، مسئولان نیز باید از این انگیزه معنوی استفاده بیشتری ببرند.

دین‌مداری و مقاومت؛ رمز پیروزی بسیج مردمی در برابر داعش

بی شک مقاومت تنها راهبرد پیروزی در برابر دشمنان خارجی، دشمنان حقیقت،

دشمنان عدالت و دشمنان فضیلت و دین است.

ناگفته پیداست که هم مظلوم موظف به مقاومت در برابر دشمنان اسلام و فریاد بر آوردن است، و هم مؤمنان دیگر موظف به پاسخگویی او هستند، همانگونه که در قرآن کریم می خوانیم: «وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُم فِی الدِّینِ فَعَلَّیْكُمْ النَّصْرُ؛ هر گاه آنها از شما برای حفظ دین خود یاری بطلبند بر شما است که آنها را یاری کنید».

این برنامه مثبت و سازنده به ظالمان هشدار می دهد که اگر دست به ستم بیالیند مؤمنان ساکت نمی نشینند، و در برابر آنها بپا می خیزند، و هم به مظلومان اعتماد می بخشد که اگر استغاثه کنند دیگران بیاری آنها می شتابند.

به هر حال وظیفه هر مظلومی این است که اگر به تنهایی قادر بر دفع ظلم و ستم نیست سکوت نکند، و با استفاده از نیروی دیگران به مقابله با ظلم قیام نماید، و وظیفه همه مسلمانان است که به ندای او پاسخ مثبت دهند.

در چنین زمانی باید شرایط زمان و نقشه های دشمن را بدانیم و مجهز باشیم و بسیج شویم؛ درباره کمک‌های مردمی در اسلام به اندازه‌ای صحبت شده و روایت داریم که عجیب است؛ در حالی که اساس تفکرات حشدالشعبی و مدافعان حرم منبعث از تفکرات دینی و مذهبی بود؛ اعتقادات دینی خمیرمایه اصلی کار است و چون دشمن از سلاح بسیار موثر و مهم معنویت بی بهره است، نمی تواند پیروز شود.

اینچنین است که سردار سلیمانی و یارانش با انگیزه های الهی بر گروه تروریستی داعش پیروز شدند.

لذا با توجه به نتایجی که از پیروزی‌های اخیر گرفتیم، باید سرمایه اصلی خودمان را حفظ، تقویت و تکمیل کنیم، نسل جوان پیروزی‌های انقلاب را ندید اما پیروزی‌های اخیر مقاومت جانشین پیروزی‌های انقلاب شد. نسل جوان باید

باید لمس کند و ببیند که افتخارات دینی، عقاید دینی و پایبند بودن به اصول اسلام چه آثاری دارد.

باید هوشیار باشیم و بدانیم که دشمن می خواهد سرمایه اعتقادات دینی و مذهبی جوانان کشور را بزند به طوری که امروز به شکل های مختلف در دشمنان در فضای مجازی شبههاتی ایجاد می کنند تا اعتقادات را از بین ببرند و به مسائل اخلاقی خدشه وارد کنند، دشمن می خواهد چیزی را که سلاح اصلی است از دست ما بگیرند؛ باید کاملاً مراقب باشیم و این سلاح را حفظ کنیم.

ضرورت تشکیل بسیج جهانی اسلام

بدیهی است مردم ایران با گفتمان بسیج در مقابل دشمنان اسلام خوب ایستاده و استقلال فکری را خوب به نمایش گذاشتند؛ وقتی ایران اسلامی با بسیج عمومی در برابر ابرقدرتها می ایستد و یا حزب الله که در حقیقت بسیج مردمی لبنان به شمار می آید به تنهایی در مقابل اسرائیل می ایستد، و یا بسیج مردمی عراق و سوریه می توانند با قدرت بر داعش فائق آیند نشان می دهد همه مسلمانان می توانند با بسیج عمومی در برابر دشمن بایستند.

آری امروز کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی هم نیاز به بسیج را احساس می کنند. زیرا مجامع جهانی، شورای امنیت، حقوق بشر و... یاران ظالم و دشمنان مظلومند و نمی توانند از ملت های مظلوم هم چون فلسطین حمایت کنند و اگر به فرض بخواهند محکومیتی برای اسرائیل داشته باشند، آمریکا آن را وتو می کند؛ لذا تنها راه ما این است که ملت های مسلمان بسیج شده و بر سران سازشکار فریاد بزنند، تا آنها ببینند موقعیتشان متزلزل می شود، بلکه گامی بردارند به ویژه آنکه عده مسلمانان در دنیا زیاد است. امیدواریم که امت اسلامی و دیگر جوامع بشری چنین کنند و این

جایگاه بسیج در ایجاد تمدن نوین اسلامی

در تاریخ انقلاب این مسأله را به خوبی حس کردیم. جنگ تحمیلی بلاى بزرگی بود ولی سبب شد که نیروی نظامی ما از قوی ترین نیروهای موجود در منطقه باشد؛ در این بین شجره طیبه بسیج نتیجه ی همان جنگ تحمیلی بوده است.

جنگ پدیده بدی است ولی گاهی یک جنگ سخت و طولانی استعداد یک ملت را شکوفا می کند، پراکندگی را مبدل به وحدت و عقب ماندگی ها را به سرعت جبران می نماید.

یکی از تاریخ نویسان معروف غرب می گوید: «هر تمدن درخشانی در طول تاریخ در نقطه ای از جهان ظهور کرده به دنبال این بوده است که یک کشور مورد هجوم یک قدرت بزرگ خارجی قرار گرفته، و نیروهای خفته آنها را بیدار و بسیج کرده است!»

در زمان ما نیز مثلاً تحریم ها یک نوع بلا به حساب می آید ولی در کنار آن در موارد بسیاری مانند کارخانه ها، داروها و مسائل نظامی به خودکفایی رسیدیم.

البته واکنش همه افراد و همه جامعه ها در برابر حوادث تلخ زندگی یکسان نیست. گروهی گرفتار یأس و ضعف و بدبینی می شوند و نتیجه منفی می گیرند، اما افرادی که زمینه های مساعد دارند در برابر این حوادث تحریک و تهییج شده به حرکت درمی آیند و می جوشند و می خروشدند، و نقطه های ضعف خود را به سرعت اصلاح می کنند.

به عنوان نمونه مولفه غیرت دینی به صورت صحیح و معتدل و مثبت یک نیروی دفاعی عظیم است که به کمک آن می توان بر دشمنان و مخالفان پیروز شد، چرا که این نیروی باطنی هنگامی که جان و مال و ناموس و دین و ایمان یا استقلال یک کشور در معرض تهدید

قرار می گیرد بسیج می شوند، و تمام نیروهای ذخیره وجود انسان را به حرکت در می آورد، و گاه یک انسان غیور در تحت تأثیر عامل غیرت، نیرویی به اندازه ده انسان پیدا می کند و تا حد ایثار و فداکاری، ایستادگی و پایمردی نشان می دهد، به همین دلیل، غیرت یکی از اسباب عزت و سربلندی و اقتدار تمدنی یک نظام به شمار می آید.

هم چنین یکی از اقدامات خوب بسیج در این مسأله این است که نیروهای خودش را تربیت کرده و این(حلقه‌های فکری صالحین) خیلی خوب است که محیط بسیج تربیت‌گر خود افراد بسیجی در نظریه پردازی است.

اهمیت اتصال بسیج به حوزه علمیه

بسیج باید سرزنده تر از گذشته باشد، لذا با توجه به فعالیت‌های تربیتی بسیج باید

گفت؛ اتصال بسیج به حوزه علمیه، اقدام بسیار ارزشمندی است که امروز در بسیج وجود دارد. بی شک ارتباط و اتصال بسیج با حوزه علمیه امری مهم و بسیار پر برکت خواهد بود که امیدواریم با مدیریت جدید سازمان بسیج مستضعفین تحول عمده‌ای در این مسأله پیدا شود.

سخن آخر

واقعاً امام راحل به عنوان بنیان‌گذار بسیج، فکر خوبی کردند و به سراغ برنامه‌ای رفتند که همه جا با پیروزی همراه است. لذا می بینیم امروز بسیج

باعث شکست دشمن شده و یقیناً دشمنان باوجود بسیج به‌جایی نخواهند رسید چراکه بسیجیان کارهای دشمن را در صحنه‌های گوناگون خنثی می‌کنند. اینجانب نیز همواره به یاد بسیجیان هستم و دعایشان می‌کنم؛



برتری اسلام بر یهود

حجت الاسلام حسین الادری

چکیده: در دنیای کنونی عده ای سعی در تقابل ادیان دارند و از شیوه های مختلف سعی می کنند تا اسلام را در مقابل ادیان دیگر - با تخریب و توهین به مقدسات آن - به انزوا بکشانند. آنها یا اسلام و قرآن را نشناخته و معرفتی نسبت به آن ندارند و یا مغرضانه دست به این اقدامات می زنند. مردم جهان نیز روز به روز به این حقیقت نزدیکتر می شوند که تشنه معارف اسلام و قرآن اند و با ایمان به اسلام خشم دشمنان را برانگیخته و آنها نیز حربه ای جز توهین و تخریب به مقدسات - بخصوص قرآن - در دست خود چیزی را نمی بینند. برتری اسلام بر سایر ادیان حقیقتی است که اثبات آن دشوار نیست و همین سبب شده تا حقیقت جوین این مطلب را درک کرده و قلب خود را تسلیم اسلام کنند.

ملاک و معیار برتری در ادیان

در دنیای کنونی عده ای سعی در تقابل ادیان دارند و از شیوه های مختلف سعی می کنند تا اسلام را در مقابل ادیان دیگر - با تخریب و توهین به مقدسات آن - به انزوا بکشانند. آنها یا اسلام و قرآن را نشناخته و معرفتی نسبت به آن ندارند و یا مغرضانه دست به این اقدامات می زنند. مردم جهان نیز روز به روز به این حقیقت نزدیکتر می شوند که تشنه معارف اسلام و قرآن اند و با ایمان به اسلام خشم دشمنان را برانگیخته و آنها نیز حربه ای جز توهین و تخریب به مقدسات - بخصوص قرآن - در دست خود چیزی را نمی بینند. برتری اسلام بر سایر ادیان حقیقتی است که اثبات آن دشوار نیست

و همین سبب شده تا حقیقت جوین این مطلب را درک کرده و قلب خود را تسلیم اسلام کنند.

اساساً آنچه سبب شده تا ادیان الهی مختلف ظهور کنند، رشد تدریجی انسان به کمال است. انسان هر چه تکامل یابد نیاز به دین کامل تری دارد، و خداوند نیز با ارسال شریعت جدیدی به این نیاز پاسخ می گفت، که از آن با «تجدید شرایع» یاد می کنند. (۱) علاوه بر این، چون انسان به آن حد از رشد و توان نرسیده بود تا از کتب الهی در مقابل تحریفات و خطرات محافظت کند، تحریف کتب آسمانی و یا نابودی آن در گذر حوادث ایجاب می کرد تا کتاب آسمانی جدیدی نازل شود، تا مسیر هدایت بر بندگان مسدود نگردد. (۲) راهیابی خرافات و اوهام به آموزه های دین را نیز، یکی دیگر از مواردی است که ارسال شریعت جدید را ضروری می کند. (۳)

در نتیجه مردم هنگامی برترین آئین را درک کرده اند که از آئین های منسوخ گذشته دست برداشته و به جدیدترین آئین روی آورند. آئینی که دو ویژگی از ضروریات آن است:

۱- سلامت کتاب آسمانی آن از تحریف و دستبرد.

۲- سلامت تعالیم و آموزه های آن از آمیختگی با خرافات و اوهام.

حال باید ببینیم کدام آئین است که این ویژگی ها را داراست تا با بهره گرفتن از آموزه هایش سعادت و خوشبختی ابدی را برای خود تضمین کنیم.

ما که عقیده به برتری آئین مبین اسلام بر همه ادیان دیگر داریم و ویژگی های فوق را مطابق بر آن یافته ایم، بر این عقیده ایم که ظهور دین اسلام، با اعلام جاودانگی آن و پایان یافتن دفتر نبوت توأم بوده است. (۴) این بدین دلیل است که نهایت کمال را برای بشر به ارمغان آورده است، بدون اینکه دچار تحریف و خرافه گرایی شود.

با این حال، در این نوشته به بررسی آئین یهود می پردازیم تا این ویژگی ها را در آن جستجو کنیم، باشد که مسیر حق و حقیقت برای جویندگان آن هموارتر شود. از نظر ما آئین یهود و آموزه هایش، سراسر دچار اوهام و خرافات شده و عمده دلیل آن را می توان تحریف عهد عتیق دانست. دین و آئینی که کتاب مقدسش آلوده به تحریف شد، سندیت و اعتبار آن خدشه دار است و نمی تواند مسیر سعادت بشر و برترین آئین باشد.

سرمنشاء تحریف در تورات

حضرت موسی (علیه السلام) در اواخر عمرش، لاویان (۵) و بزرگان بنی اسرائیل را گرد آورد و تورات را به آنان سپرد و به آنان گفت: این کتاب را در صندوق عهد بگذارید و در پایان هر هفت سال، تمام بنی اسرائیل، - حتی زنان و کودکان و غریبان شهر- را بخوانید تا گرد آیند، آنگاه تورات را بر ایشان بخوانید تا بشنوند و تعلیم یابند و از خدا بترسند و در عمل به آن هوشیار باشند. (۶) به پادشاهان یهود نیز سفارش شد در جهت حفاظت از کتاب مقدس، طوماری از آن بنویسند و آن را بخوانند و سرلوحه کارشان سازند.

این روند ادامه داشت تا اینکه در جنگ بنی اسرائیل با بت پرستان فلسطین در عصر سموئیل نبی، صندوق عهد به دست دشمنان افتاد و مدتها پس از این ماجرا، به بنی اسرائیل بر گردانده شد. (۷) علاوه بر این در حمله ششونک - فرعون مصر - به اورشلیم نیز نسخه تورات سرگذشت مبهمی داشت. (۸) با این حال ماجرا پایان نیافت، بعدها حمله بخت النصر پادشاه بابل آغاز شد. (۹) و در این جنگ آثار مذهبی یهودیان از بین رفت تا جایی که می توان گفت با سوختن تابوت و هیکل سلیمان در سال ۵۸۶ ق.م کتاب مقدس نیز سوزانده شد. علاوه بر این، عده زیادی از یهودیان به اسارت گرفته شدند و اشیای قیمتی بسیاری از معبد سلیمان صادره شد. برخی مدت اسارت یهودیان را هفتاد سال (۱۰) بیان کرده اند که با حمله کوروش به بابل به پایان رسید. کوروش پادشاه ایران پس از پیروزی در این نبرد یهودیان را از بردگی و اسارت آزاد کرد و اشیای قیمتی غارت شده از معبد را به محلش باز گرداند و پس از اینکه از خود یهودیان شخصی را به رهبریشان گماشت، آنان را با کمال آزادی به سرزمین هاینشان برگرداند. (۱۱)

در این هنگام یکی از بزرگان یهود به نام عزرا که عده ای او را همان عزیر نبی می دانند، بر آن شد تا در سال ۴۵۷ ق.م تورات را بازنویسی کند (۱۲)، اما دیری نپایید که در زمان آنتیوکس پادشاه روم و فاتح بلاد یهود، یعنی در حدود سال ۱۶۱ ق.م بار دیگر تورات سوزانده شد. (۱۳) حتی مامورین وی تمامی خانه ها و پستوها را گشته و نسخه های مجموعه عزرا را یافته و سوزاندند. بطوری که در تاریخ ضبط شده است، در منزل هر کس نسخه ای می یافتند صاحب آن را اعدام یا جریمه می کردند. (۱۴) اما پس از این ماجرا، بار دیگر یهودیان کتاب مقدسشان را از دست دادند و دو مرتبه به فکر چاره افتادند. احتمالاً تمام آنچه

در مورد دستبرد علمای یهود در نوشتن کتاب مقدس آمده است مربوط به این دوره می باشد. آنان از محفوظات خود کتابی را نوشتند که سراسر آن، آکنده از خرافات و تحریفات است. سوزانده شدن مکرر تورات و نابودی آن در جنگ ها، زمینه تحریف و دستبرد آن را فراهم کرد. قرآن در موارد مختلف بیان می کند که کتب آسمانی یهود تحریف شده است و کسی جز علمای یهود، عامل تحریف آن نبوده اند. آنها برای رسیدن به مقاصد دنیوی دست به جعل زده و آنچه خود ساخته بودند به عنوان وحی الهی قلمداد می کردند. آیات را آنگونه که می خواستند معنا کرده و تفسیر به رای می نمودند و هرگاه از تحریف لفظی و معنوی آیات درمانده می شدند، راه کتمان حقایق و مخفی کردن آیات الهی را پیش می گرفتند و در نهایت از سر گناه و نافرمانی، وحی الهی را به فراموشی سپردند و خداوند آنان را از رحمتش دور ساخت.

این آنچه یزی است که قرآن کریم در مورد کتاب مقدس یهود، و تحریف آن بیان می کند:

۱. «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ تَرَا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (۱۵)؛ (پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این، از طرف خداست تا آن را به بهای اندکی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه (از این راه) به دست می آورند!)

۲. «وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (۱۶)؛ (در میان آنها کسانی هستند که به هنگام تحریف کتاب خدا، زبان خود را چنان می گردانند که گمان

کنید آن از کتاب خدا است، در حالی که از کتاب خدا نیست. و (با صراحت) می گویند: آن از سوی خداست. با این که از سوی خدا نیست، و بر خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند.)

۳. «فَبِمَا نَقُضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ...» (۱۷)؛ (ولی بخاطر پیمان شکنی آنها، از رحمت خویش دورشان ساختیم و دلهای آنان را سخت و پر قساوت نمودیم آنها کلمات الهی را از موردش تحریف می کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند....)

۴. «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (۱۸)؛ (کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او (پیامبر) را همچون فرزندان خود می شناسند ولی جمعی از آنان، حق را در حالی که از آن آگاهند کتمان می کنند.)

«یا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم تخفون من الكتاب و يعفوا عن كثير قد جاءكم من الله نور و كتاب مبين» (۱۹)؛ (ای اهل کتاب! فرستاده ما، به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد و از بسیاری از آن، صرف نظر می نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب روشنگری به سوی شما آمد.)

نشانه های تحریف در عهد عتیق

تناقض گویی در کتاب مقدس یهود

هر چند در ابتدا عهد عتیق را به حضرت موسی (علیه السلام) و پیامبران پس از او منسوب می کردند و برایش منش و حیانی قائل بودند، اما بعدها وجود تناقضات بسیار در عهد عتیق سبب شد تا عده ای در قرون وسطا، و حیانی بودن عهد عتیق را انکار و آن را حاصل نویسندگانی ناشناس بدانند. یکی از معروف ترین

کسانی که در گذشته و حیانی بودن عهد عتیق را نقد کرده ابراهیم بن عزرا است. او در کتاب تفسیر خود بر سفر تثنیه، به این موضوع پرداخته است. او که نمی‌توانست با صراحت در این باره سخن بگوید، مطالب خود را به صورت رمز آورده است و به مواردی خاص اشاره کرده، مواردی که حکایت از این دارد که نویسنده واقعی اسفار پنج گانه حضرت موسی(علیه السلام) نیست، بلکه این کتاب باید قرن‌ها پس از حضرت موسی(علیه السلام) به دست فرد یا افراد دیگری نوشته شده باشد. ابن عزرا به صورت رمز به شش بخش تورات اشاره کرده که با انتساب آن به حضرت موسی(علیه السلام) سازگار نیست. (۲۰) بعدها باروخ اسپینوزا رمزهای ابن عزرا را گشوده، خود نیز موارد متعدد دیگری بر آن افزود. (۲۱)

در قرن هجدهم و نوزدهم نیز، جریانی انتقادی نسبت به کتاب مقدس ظهور کرد(۲۲) که می‌گفت فرقی بین کتاب مقدس و کتابهای دیگر نیست. این کتاب را نیز باید مورد نقد قرار داد. الکساندر جدیس مطالبی تحت عنوان ملاحظات انتقادی نوشت که در سال ۱۸۰۰م در پایان ترجمه اش از کتاب مقدس منتشر شد و در آن وجود کلام الهی و نگارش تورات موجود به دست موسی(علیه السلام) مورد انکار قرار گرفت.(۲۳) در این عصر بود که محققان به این نتیجه رسیدند که تورات وحیانی نیست و منابع مختلفی را برای آن تصوّر کردند که یکی از آنها منبع کاهنی است که با حرف: (P) نشان داده می‌شود.(۲۴) طبق این تقسیم بندی، تورات پس از اسارت بابلی و در دوره کاهنان تالیف شده است که این خود مهمترین سبب در تناقض گویی در کتاب مقدس شده است. گاهی مطلبی را می‌گوید و پس از آن نقیضش را در جای دیگر مطرح می‌کند. کتب زیادی با موضوع تناقضات کتاب مقدس نوشته شده که به طرح این تناقضات پرداخته

اند.(۲۵)

این جریان انتقادی نسبت به تورات، دلالت بر دخالت کاهنان در کتابت آن دارد که زمینه ورود تناقضات و تغییرات را در کتاب مقدس فراهم کرده است و اعتبار و سندیت آن را خدشه دار می‌کند. علامه طباطبایی در جلد هفتم تفسیر المیزان پس از بیان تناقضاتی که تورات در مورد زندگی حضرت ابراهیم(علیه السلام) بیان می‌کند می‌گوید: تناقضاتی که تورات موجود تنها در ذکر داستان ابراهیم(علیه السلام) دارد، دلیل قاطعی است بر صدق ادعای قرآن مبنی بر اینکه تورات و آن کتاب مقدسی که بر موسی(علیه السلام) نازل شده، دستخوش تغییر گشته و به کلی از سندیت ساقط شده است.(۲۶)

تحریفات در باب خداشناسی

خداوند در کتاب مقدس یهودیان احوالات عجیبی دارد و همانند انسان است(۲۷) و چون مانند اوست تصمیم می‌گیرد از آسمان به زمین بیاید و قدمی بزند و مدتی را در محلی از زمین ساکن شود. (۲۸) چون با زمین آشنا نیست، گاهی در تشخیص خانه مومنان از کفار دچار اشتباه می‌شود.(۲۹) شاید هم علت اشتباه و خطا در تشخیص خداوند این باشد که بسیاری از امور را نمی‌داند(۳۰) و بخاطر ندانستن دچار لغزش های زیادی می‌شود که از آن پشیمان شده و مدتی را در اندوه بسر می‌برد.(۳۱) او چون با آداب زندگی اجتماعی آشنا نیست گاهی عهد می‌شکند(۳۲) و دروغ می‌گوید، در حالی که مار از او راستگوتر است(۳۳) و سبب تفرقه بین مردم شده(۳۴) و گاهی هوس می‌کند با کسی کشتی بگیرد اما شکست می‌خورد. (۳۵)

لازم به ذکر است، این خداوند که در کتاب مقدس یهودیان معرفی شده است بر خلاف انسان در همان حالی که سه تاست یکی است(۳۶) ولی با این حال مانند انسان دارای گیسو و لباس است. (۳۷) احوالات خداوند که اینگونه باشد

اوضاع پیامبران الهی مشخص است!

فرازهایی از تحریفات تورات در مورد خداوند بدین شرح است:

۱. خداوند و انسان همانند یکدیگرند: (پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید.)(۳۸)

۲. خداوند بر کرسی می‌نشیند و لباسی زیبا و مویی پشمین دارد: (و نظر می‌کردم تا کرسی ها بر قرار شد و قدیم الایام - موجود ازلی - جلوس فرمود و لباس او مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله های آتش و چرخهای آن آتش ملتهب بود.)(۳۹)

۳. بعضی خداوند را دیدند، در حالیکه زیر پاهایش به زینت آراسته بود: (و موسی با هارون و ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از مشایخ اسرائیل بالا رفت. و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پاهایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا.)(۴۰)

۴. خداوند در قالب سه شخص بر ابراهیم(علیه السلام) وارد می‌شود و ابراهیم(علیه السلام) پاهای خداوند را با آب می‌شوید و برای او غذا می‌آورد: (و خداوند در بلوطستان ممری، بر وی ظاهر شد، و او در گرمای روز به در خیمه نشسته بود. ناگاه چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک سه مرد در مقابل او ایستاده‌اند. و چون ایشان را دید، از در خیمه به استقبال ایشان شتافت، و رو بر زمین نهاد و گفت: «ای مولا، اکنون اگر منظور نظر تو شدم، از نزد بنده خود مگذر. اندک آبی بیاورند تا پای خود را شسته، در زیر درخت بیارامید، و لقمه نانی بیاورم تا دلهای خود را تقویت دهید و پس از آن روانه شوید، زیرا برای همین، شما را بر بنده خود گذر افتاده است.» گفتند: «آنچه گفتی بکن» پس ابراهیم به خیمه، نزد ساره شتافت و گفت: «سه کیل از آرد میده بزودی حاضر کن و آن را خمیر کرده، گردها بساز.» و ابراهیم به سوی رمه شتافت و گوساله نازک خوب

گرفته، به غلام خود داد تا بزودی آن را طبخ نماید.)(۴۱)

۵. حضرت داوود(علیه السلام) تصمیم می‌گیرد تا به خانه نرود، مگر اینکه برای خداوند مسکنی مهیا کند و سرانجام خداوند صهیون را برای خود بر می‌گزیند: (ای خداوند برای داود به یاد آور، همه مذلت‌های او را. چگونه برای خداوند قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود که به خیمه خانه خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر تختخواب خود برنخواهم آمد، خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مژگان خویش، تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب... زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است و آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده. این است آرامگاه من تا ابدالابد. اینجا ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم.)(۴۲)

۶. خداوند وقتی می‌خواهد مردم مصر را عذاب کند، به مومنان می‌گوید خانه هایتان را با خون علامت گذاری کنید تا من شما را اشتباهاً هلاک نکنم: (و در آن شب از زمین مصر عبور خواهم کرد، و همه نخست‌زادگان زمین مصر را از انسان و بهایم خواهم زد، و بر تمامی خدایان مصر داوری خواهم کرد. من یهوه هستم. و آن خون، علامتی برای شما خواهد بود، بر خانه‌هایی که در آنها می‌باشید. و چون خون را ببینم، از شما خواهم گذشت و هنگامی که زمین مصر را می‌زنم، آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد.) (۴۳)

۷. خداوند از عملکرد خویش پشیمان می‌شود: (و کلام خداوند بر سموئیل نازل شده، گفت: «پشیمان شدم که شاول را پادشاه ساختم زیرا از پیروی من برگشته، کلام مرا بجانیاورده است.» و سموئیل خشمناک شده، تمامی شب نزد خداوند فریاد برآورد.)(۴۴)

۸. خداوند از خلقت انسان پشیمان و محزون می‌شود: (و خداوند دید که

شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصوّر از خیالهای دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت. و خداوند گفت: «انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان و بهایم و حشرات و پرندگان هوا را، چونکه متأسف شدم از ساختن ایشان.»(۴۵)

۹. خدای اسرائیل وعده و پیمان می‌شکند و می‌گوید: هر چند وعده داده بودم که خاندان تو و خاندان پدرت همیشه کاهنان درگاه من باشند، اما بعد از این نمی‌خواهم. بلکه هر کسی که به من احترام بگذارد، او را محترم می‌گردانم و کسی که مرا حقیر شمارد، او را حقیر خواهم ساخت: (۴۶) (بنابراین یهوه، خدای اسرائیل می‌گوید: البته گفتم که خاندان تو و خاندان پدرت به حضور من تا به ابد سلوک خواهند نمود. لیکن الآن خداوند می‌گوید: حاشا از من! زیرا آنانی را که مرا تکریم نمایند، تکریم خواهم نمود و کسانی که مرا حقیر شمارند، خوار خواهند شد.)(۴۷)

۱۰. خداوند دروغ می‌گوید و حقیقت را پنهان می‌کند، اما مار حقیقت را بیان می‌کند: (و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید.» مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.»(۴۸)

۱۱. حضرت آدم(علیه السلام) و همسرش از دید خداوند پنهان می‌شوند و چون علم خداوند محدود است، نمی‌تواند آنها را بیابد: (و آواز خداوند خدا را شنیدند

که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ می‌خرامید، و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. و خداوند خدا آدم را ندا در داد و گفت: «کجا هستی؟»(۴۹)

۱۲. خداوند از روی ضعف و حسادت از اتحاد و همدلی انسان ها هراسان می‌شود و به فکر تفرقه و پراکندگی انسان ها می‌افتد: (و گفتند: «بیایید شهری برای خود بنا نهمیم، و برجی را که سرش به آسمان برسد، تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم» و خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی‌آدم بنا می‌کردند، ملاحظه نماید. و خداوند گفت: «همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را یک زبان و این کار را شروع کرده‌اند، و الآن هیچ کاری که قصد آن نکنند، از ایشان ممتنع نخواهد شد. اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند.» پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر باز ماندند.)(۵۰)

۱۳. و گاهی خداوند پیامبرانش را امر به کارهای نا معقولی می‌کند که به آن اشاره خواهیم کرد.(۵۱)

آری، این خداوندی است که تورات معرفی می‌کند. خدایی که هیچ فرقی با انسان ها ندارد. خالقی که همان صفات مخلوقش را دارد. جسم است و دست و پا دارد. می‌خورد و می‌آشامد. دروغ می‌گوید. وعده می‌شکند و حسود است. علمی محدود دارد و سراسر عجز و ضعف است، اما حقیقت چیز دیگری است و خداوند منزّه است از این تصوّرات باطل و افکار لبریز از خرافات. خدای قرآن کجا و خدای تورات کجا!

تحریفات در باب پیامبران الهی

در کتاب مقدس و تحریف شده یهودیان، پیامبران الهی نیز احوالات پیچیده ای دارند. در این کتاب نسبت هایی به انبیاء الهی که بی شک از مقام عصمت

بر خوردارند، داده شده و انسان از نقل آن هم شرم دارد! ولی چون اساس این رساله نقل و ردّ همین گونه افسانه های راه یافته به کتاب مقدّس است ناچار از نقل این عبارات هستیم و پیشاپیش عذر خواهی می کنیم:

در مورد حضرت داوود(علیه السلام) آمده است که او با همسر یکی از فرماندهانش همبستر شده! و سپس با طّراحی قتل آن فرمانده در میدان جنگ، با همسرش ازدواج می کند! (۵۲)

ظاهراً در تورات، داوود تنها پیامبری نیست که مرتکب زنا می شود، حضرت لوط نیز مانند حضرت نوح شراب می نوشد و مستی می کند،(۵۳) اما به این اکتفا نکرده، و بی آنکه بداند با دخترانش همبستر می شود! (۵۴)

حال دیگر قبّحی ندارد که خداوند به حضرت هوشع(علیه السلام) دستور دهد تا با زن بدکاره ای ازدواج کند،(۵۵) چرا که به گفته کتاب مقدّس، پیامبرانی هستند که خود از زنا متولّد شده اند! (۵۶)

دیگر عجیب نیست که حضرت نوح دروغ بگوید. (۵۷) زیرا پیامبرانی هستند که گناهان بزرگتری مرتکب شده اند. حضرت سلیمان(علیه السلام) مرتکب محرمات الهی می شود و بخاطر علاقه قلبی به بتها برایشان بتکده می سازد! (۵۸) حضرت هارون (علیه السلام) نیز بت می سازد و مردم را به پرستش بتها تشویق می کند! (۵۹) حضرت موسی(علیه السلام) نیز دستور به قتل اسیران جنگی، حتی زنان و کودکان داده است! (۶۰)

در کتاب تحریف شده یهودیان آمده است که خداوند پیامبرانش را به دستورات نامعقولی امر می کرده است.

به عنوان مثال، خداوند به حضرت حزقیال(علیه السلام) می فرماید تا نانی که به نجاسات انسانی آلوده شده را بخورد و شاید بخاطر همین است که گاهی اوقات، حضرت موسی(علیه السلام)

با خداوند با درشتی و خشونت رفتار می کند.(۶۱) و یعقوب(علیه السلام) سعی دارد از راه کشتی گرفتن با خداوند و قدرت نمایی در برابر او ، صاحب رسالت و نبوت شود. (۶۲)

آری گویا در اعتراض به این دستورات نامعقول می باشد که حضرت اشعی(علیه السلام) بدون لباس و با پای برهنه راه می رود، و حضرت ارمی(علیه السلام) به گردن خویش بند و یوغ می بندد.

فرازهایی از تحریفات تورات در مورد پیامبران الهی بدین شرح است:

۱. تورات می گوید حضرت داوود(علیه السلام) با زن یکی از فرماندهانش زنا می کند و پس از با خیر شدن از حاملگی او، نقشه قتل فرمانده اش را می کشد. این در حالی است که آن فرمانده وفادار در ایامی که به دستور حضرت داوود(علیه السلام) از میدان نبرد به اورشلیم می آید، اما به منزل نمی رود. چون روا نمی داند او در کنار همسرش باشد ولی سربازنش در میدان کارزار. شرح داستان در تورات اینگونه است: (در فصل بهار، هنگامی که پادشاهان به جنگ می روند، داوود یوآب را با سپاه اسرائیل به جنگ فرستاد. آنان عمونیان را از بین بردند و شهر ربه را محاصره کردند. اما داوود در اورشلیم ماند. یک روز، بعد از ظهر داوود از بستر برخاست و به پشت بام کاخ رفت و به قدم زدن پرداخت. از روی بام نظرش بر زنی افتاد که حمام می کرد. آن زن زیبایی فوق العاده ای داشت. داوود کسی را فرستاد تا بداند که آن زن کیست و معلوم شد که او بتشیع، دختر الیعام و زن اوریای حتی است. پس داوود قاصدان را فرستاد و آن زن را به حضورش آوردند و داوود با او همبستر شد. سپس به خانه خود رفت. پس از مدّتی پی برد که حامله است. پس قاصدی نزد داوود فرستاد تا حاملگی اش را به او خبر بدهد. آنگاه داوود به یوآب پیام فرستاد و از او خواست که

اوریا را به نزد او بفرستد. هنگامی که اوریا آمد، داوود از حال یوآب و سپاه او و وضع جنگ جويا شد. بعد به اوریا گفت که به خانه خود برود و شست وشو کند و هدیه ای هم برای او به خانه اش فرستاد. اما اوریا به خانه خود نرفت و در پیش دروازه کاخ با سایر خادمان پادشاه خوابید. چون داوود باخبر شد که اوریا به خانه خود نرفته است، او را به حضور خود خواسته گفت: «تو مدّت زیادی از خانه ات دور بودی، پس چرا دیشب پیش زنت به خانه نرفتی؟» اوریا جواب داد: «آیا رواست که صندوق خداوند، مردم اسرائیل و یهودا، سرورم یوآب و سپاه او بیرون در دشت بخوابند و من به خانه خود بروم و با همسرم بخورم و بنوشم و همخواب شوم. به جان شما سوگند که هرگز این کار را نمی کنم.» داوود گفت: «امروز هم همین جا بمان و فردا دوباره به اردوگاه برو.» پس اوریا آن روز هم در اورشلیم ماند. داوود او را برای شام دعوت نمود و او را مست کرد. اوریا آن شب نیز به خانه خود نرفت و با خادمان پادشاه خوابید. فردای آن روز داوود نامه ای به یوآب نوشت و به وسیله اوریا برای او فرستاد. متن نامه به این قرار بود: «اوریا را در صف اول یک جنگ سخت بفرست و خودت عقب نشینی کن و بگذار تا او کشته شود.» پس یوآب او را در جایی گماشت که نزدیک به شهر محاصره شده بود، یعنی جایی که بهترین جنگجویان دشمن می جنگیدند. آنگاه دشمنان از شهر بیرون آمدند و با یک حمله، بسیاری از سربازان بنی اسرائیل را به قتل رساندند که اوریا هم از جمله کشته شدگان بود. .. چون زن اوریا شنید که شوهرش کشته شده است، سوگوار شد. وقتی دوران سوگواری به پایان رسید، داوود او را به خانه خود آورد و با او عروسی کرد. آن زن برایش پسری به دنیا آورد، اما این کار در نظر خداوند ناپسند آمد.(۶۳)

۲. در تورات آمده است که دختران حضرت لوط(علیه السلام) به پدرشان

شراب دادند و در حال مستی با او همبستر شده و از پدرشان صاحب فرزند گشتند: (و دختر بزرگ به کوچک گفت: «پدر ما پیر شده و مردی بر روی زمین نیست که برحسب عادت کل جهان، به ما در آید. بیا تا پدر خود را شراب بنوشانیم، و با او همبستر شویم، تا نسلی از پدر خود نگاه داریم.» پس در همان شب، پدر خود را شراب نوشانیدند، و دختر بزرگ آمده با پدر خویش همخواب شد، و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد. و واقع شد که روز دیگر، بزرگ به کوچک گفت: «اینک دوش با پدرم همخواب شدم، امشب نیز او را شراب بنوشانیم، و تو بیا و با وی همخواب شو، تا نسلی از پدر خود نگاه داریم.» آن شب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند، و دختر کوچک همخواب وی شد، و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد. پس هر دو دختر لوط از پدر خود حامله شدند. و آن بزرگ، پسری زاییده، او را موآب نام نهاد، و او تا امروز پدر موآبیان است. و کوچک نیز پسری بزاد، و او را بن عمّی نام نهاد. وی تا بحال پدر بنی عمون است.(۶۴)

۳. در تورات آمده است که حضرت نوح شراب می نوشد و در حال مستی عریان می شود: (و نوح به فلاحت زمین شروع کرد، و تاکستانی غرس نمود. و شراب نوشیده، مست شد، و در خیمه خود عریان گردید. و حام، پدر کنعان، برهنگی پدر خود را دید و دو برادر خود را بیرون خبر داد.) (۶۵)

۴. خداوند در تورات به حضرت هوشع(علیه السلام) امر می کند تا با زن زناکاری ازدواج کند: (خداوند به هوشع گفت: «برو و زنی زانیه و اولاد زناکار برای خود بگیر زیرا که این زمین از خداوند برگشته، سخت زناکار شده اند.» پس رفت و جوّمر دختر دبلایم را گرفت و او حامله شده، پسری برایش زایید.) (۶۶)

۵. تورات می گوید حضرت یفتاح(علیه السلام) زنازاده بوده است: (و یفتاح

جلعادی مردی زورآور، شجاع، و پسر فاحشه ای بود و جلعاد یفتاح را تولید نمود.) (۶۷)

۶. تورات به حضرت نوح(علیه السلام) نسبت دروغ می دهد: (آنگاه نبی پیر بیت ئیل به او گفت: «من نیز مانند تو نبی هستم و فرشته از طرف خداوند به من گفت که تو را با خود به خانه ببرم و از تو پذیرایی کنم.» اما نبی پیر دروغ می گفت.) (۶۸)

۷. تورات حضرت سلیمان(علیه السلام) را شرور معرفی کرده که برای بت ها بتکده می سازد: (و سلیمان در نظر خداوند شرارت ورزیده، مثل پدر خود داود، خداوند را پیروی کامل نمود. آنگاه سلیمان در کوهی که روبروی اورشلیم است مکانی بلند به جهت کُمّوش که رِجسِ موآبیان است، و به جهت مَوْلک، رِجسِ بنی عمون بنا کرد.) (۶۹)

۸. تورات می گوید حضرت هارون(علیه السلام) مردم را به بت پرستی تشویق می کند: (و چون قوم دیدند که موسی در فرود آمدن از کوه تأخیر نمود، قوم نزد هارون جمع شده، وی را گفتند: «برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند، زیرا این مرد، موسی، که ما را از زمین مصر بیرون آورد، نمی دانیم او را چه شده است.» هارون بدیشان گفت:

«گوشواره های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شماست، بیرون کرده، نزد من بیاورید.» پس تمامی قوم گوشواره های زرین را که در گوشه های ایشان بود بیرون کرده، نزد هارون آوردند. و آنها را از دست ایشان گرفته، آن را با قلم نقش کرد، و از آن گوشاله ریخته شده ساخت، و ایشان گفتند: «ای اسرائیل این خدایان تو می باشند، که تو را از زمین مصر بیرون آوردند.» و چون هارون این را بدید، مذبحی پیش آن بنا کرد و هارون ندا در داده، گفت: «فردا عید یهوه می باشد.»

و بامدادان برخاسته، قربانی های سوختنی گذرانیدند، و هدایای سلامتی آوردند، و

قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند، و بجهت لعب برپا شدند.) (۷۰)

۹. حضرت موسی(علیه السلام) دستور می دهد تا گروهی از زنان و کودکان اسیر، بی رحمانه کشته شوند: (و بنی اسرائیل زنان مدیان و اطفال ایشان را به اسیری بردند، و جمیع بهایم و جمیع مواشی ایشان و همه املاک ایشان را غارت کردند. و تمامی شهرها و مساکن و قلعه های ایشان را به آتش سوزانیدند. و تمامی غنیمت و جمیع غارت را از انسان و بهایم گرفتند. و اسیران و غارت و غنیمت را نزد موسی و العازار کاهن و جماعت بنی اسرائیل در لشکرگاه در عَرَبات موآب، که نزد اردن در مقابل اریحاست، آوردند. و موسی و العازار کاهن و تمامی سروران جماعت بیرون از لشکرگاه به استقبال ایشان آمدند. و موسی بر رؤسای لشکر یعنی سرداران هزاره ها و سرداران صدّها که از خدمت جنگ باز آمده بودند، غضبناک شد. و موسی به ایشان گفت: «آیا همه

زنان را زنده نگاه داشتید؟ اینک اینانند که برحسب مشورت بلعام، بنی اسرائیل را واداشتند تا در امر فغور به خداوند خیانت ورزیدند و در جماعت خداوند وبا عارض شد. پس الآن هر ذکوری از اطفال را بکشید، و هر زنی را که مرد را شناخته، با او همبستر شده باشد، بکشید. و از زنان هر دختری را که مرد را شناخته، و با او همبستر نشده برای خود زنده نگاه دارید.) (۷۱)

۱۰. تورات می گوید حضرت موسی(علیه السلام) برای خداوند تکلیف تعیین می کند و با درشتی با او سخن می گوید: (پس موسی به حضور خداوند برگشت و گفت: «آه، این قوم گناهی عظیم کرده، و خدایان طلا برای خویشتن ساخته اند. الآن هرگاه گناه ایشان را می آمرزی و اگر نه مرا از دفترت که نوشته ای، محو ساز.») (۷۲)

۱۱. خداوند تا صبحدم با یعقوب کشتی می گیرد و برای رهایی از دست یعقوب

به او پاداشی می دهد: (و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی می گرفت. و چون او دید که بر وی غلبه نمی یابد، کف ران یعقوب را لمس کرد، و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد. پس گفت: «مرا رها کن زیرا که فجر می شکافد.» گفت: «تا مرا برکت ندهی، تو را رها نکنم» به وی گفت: «نام تو چیست؟» گفت: «یعقوب» گفت: «از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل، زیرا که با خدا و با انسان مجاهده کردی و نصرت یافتی» و یعقوب از او سؤال کرده، گفت: «مرا از نام خود آگاه ساز.» گفت: «چرا اسم مرا می پرسی؟» و او را در آنجا برکت داد. و یعقوب آن مکان را «فِئِیثیل» نامیده، (گفت:): «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.» (۷۳)

۱۲. گاهی اوقات پیامبران الهی مامور به اوامر نامعقولی می شود: (تو حزقیال) باید با مدفوع خشک انسان آتش بیافروزی و نان خود را بر روی آن بییزی و آن را در جایی بخور که همه ببینند. خداوند فرمود: «بدین سان قوم اسرائیل در میان اقوامی که پراکنده اش کرده ام، نان ناپاک خواهد خورد.» اما من گفتم: «ای خداوند متعال، من هرگز خود را آلوده نکرده ام. از کودکی تاکنون من گوشت حیوانی را که مرده باشد یا به وسیله حیوانات وحشی کشته شده باشد، نخورده ام. من هرگز غذایی را که ناپاک شمرده می شد، نخورده ام.» آنگاه خداوند به من فرمود: پس من اجازه می دهم که برای پختن نان، به جای مدفوع انسان از سرگین گاو استفاده کنی. (۷۴)

۱۳. همچنین در جای دیگر چنین نقل شده: (خداوند به واسطه اشعیا ابن آموص تکلم نموده، گفت: «برو و پلاس را از کمر خود بگشا و نعلین را از پای خود بیرون کن.» و او چنین کرده، عریان و پا برهنه راه می رفت.) (۷۵)

۱۴. علاوه بر این در جای دیگر، از زبان

حضرت ارمی (علیه السلام) نقل شده است که: (خداوند به من چنین گفت: «بندها و یوغ ها برای خود بساز و آنها را بر گردن خود بگذار.») (۷۶)

تنها لازم است انسان لحظاتی را به فکر فرو رود. براستی اگر پیامبران الهی از دید یهود اینگونه اند، مردمان عادی و پیروانشان چگونه خواهند بود؟! این در حالی است که قرآن پیامبران الهی را بهترین و پاکترین انسان ها معرفی می کند. کافیست کمی با قرآن مانوس باشیم تا تفاوت را احساس کنیم.

توهّم برگزیدگی

یکی از باورهای تحریف شده یهودیان، اندیشه برگزیدگی است. اندیشه ای که به معنای وجود رابطه ویژه و منحصر به فردی بین قوم اسرائیل با خداوند است. اندیشه ای که سبب شده قوم یهود بر پایه افکار نژاد پرستانه، خود را بر همه برتر ببینند و غیر یهود برایش هیچ ارزش و حرمتی نداشته باشد. نمونه ای از روحیه نژادپرستانه یهود، فتوایی است که خاخام «اسحاق کتربرگ» مبنی بر این که خون یهودی با خون مسلمان و مسیحی یکسان نیست، صادر کرده است. لذا سربازان یهودی می توانند بزرگان غیر خودی (منظور غیر یهودی) را بکشند. (۷۷) نمونه ای دیگر آن است که یهودیان، مردمان غیرخودی را ستور می پندارند که گوشتشان بسان گوشت خران و نطفه شان همانند نطفه ای اسبان است.

شریعت یهود در عین این که به پیروان خود اجازه می دهد با غیر یهودی غل و غش و نیرنگ پیشه کند، آنان را از اتحاد چنین شیوه ای با هم نوع خود منع می کند.

طبق این شریعت یهودیان مجاز به دریافت ربا از غیر یهودی هستند؛ اما دریافت آن را از یهودی حرام می دانند. ده فرمان یهود که قائل به نهی زنا، سرقت و قتل است، این وصیت ها را مختص جامعه ی یهود می داند و در مورد غیر

خودی جایز می شمارد؛ زیرا اساسا غیر خودی بشر به حساب نمی آید. از دیگر تعالیم نژادپرستانه ی یهود این است که مرد یهودی برای نکاح زن غیر یهودی نیاز به عقد نکاح ندارد؛ زیرا زنی که از تبار بنی اسرائیل نباشد، مادیان به شمار می رود. (۷۸)

براستی آیا این قوم، برترین قوم جهان است؟! آیا یهود سزاوار برتری است، یا اینکه سرگرم و گرفتار توهمی بیش نیست؟ توهمی که راه طغیان و جنایتش را هموارتر می کند.

هر چند در ظاهر، آیاتی از تورات اشاره ای به برگزیدگی بنی اسرائیل کرده است اما رسیدن به حقیقت مطلب، بررسی و مطالعه دقیق تر را می طلبد.

تورات در آیات زیادی یهود را قوم برگزیده می داند. طبق گفته تورات، خداوند با حضرت ابراهیم (علیه السلام) - که با اطاعت بی چون و چرایش موقعیت و جایگاهی در نزد خداوند یافته بود - عهد بست (۷۹) تا نسلش را برکت بخشد و خداوند نیز عهدش را عملی ساخت و از نسل ابراهیم، قوم بنی اسرائیل را گرد آورد. (۸۰) پس از آن، خداوند در عصر موسی (علیه السلام) در طور سینا با قوم بنی اسرائیل عهدی بست تا طبق این عهد آنان را قوم برگزیده خود بر روی زمین سازد. (۸۱)

هر چند عهد خداوند با حضرت ابراهیم (علیه السلام) یک سویه بود، اما عهد او با بنی اسرائیل دو طرفه و الزام آور است. عهدی که طبق آیات تورات، اطاعت و فرمانبرداری یهود از دستورات الهی را می طلبد. در غیر این صورت، برگزیدگی یهود بی معنا شده بلکه به خفت و خواری دچار خواهند شد. برخی از آیات تورات از این قرارند:

۱. «و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم ها خواهید بود.» (۸۲)

۲. در باب یازدهم سفر تثنیه آمده است که اگر از خدا اطاعت کنید، برکت خدا برقرار خواهد بود، باران رحمت بر شما به موقع باریدن خواهد گرفت و زرع شما محصول فراوان خواهد داد. ولی هوشیار باشید که دلپایان از خداوند برنگردد تا خدایان دیگر را بیپرستید، چون اگر چنین کنید خشم خداوند نسبت به شما برافروخته خواهد شد و همه نعمت ها را از کف خواهید داد و فرزندان شما از زندگی در سرزمین موعود محروم خواهند گشت. (۸۳)

اما آیات دیگری از تورات بیان می کنند که بنی اسرائیل راه طغیان و سرکشی را پیش گرفتند و عهد الهی را نقض کرده، از مقام برگزیدگی محروم شدند:

۱. خداوند در سفر تثنیه سرکشی بنی اسرائیل را پیشگویی می کند و می گوید: «زنا خواهند کرد و مرا ترک کرده، عهدی را که با ایشان بستم خواهند شکست و در آن روز خشم من بر ایشان مشتعل شده، ایشان را ترک خواهم نمود ...» (۸۴)

۲. خداوند با ارمیای نبی چنین سخن می گوید: «بگو که سخنان عهد را بشنوید و آنها را بجا آورید... اما نشنیدند و گوش خود را فرا نداشتند بلکه پیروی سرکشی دل شریر خود را نمودند. پس سخنان این عهد را برایشان وارد آوردم چونکه امر فرموده بودم که آن را وفا نمایند اما وفا ننمودند» (۸۵)

مساله برگزیدگی قوم بنی اسرائیل در قرآن نیز مطرح شده است. خداوند در آیاتی (۸۶) آنان را برترین جهانیان می شمرد: «و لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ وَ زَرَقْنَا لَهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (۸۷)؛ (ما به بنی اسرائیل کتاب و حکمت و نبوت را بخشیدیم و از روزی های پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم). اما فضیلت و برتری بنی اسرائیل مشروط به رعایت عهد و پیمان بود. «أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ»

(۸۸)؛ (به پیمان من وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم). آیا بنی اسرائیل به عهد و پیمان وفا کردند؟ قرآن چیز دیگری می گوید: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا نَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (۸۹) و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان نیکی کنید و به مردم سخن نیک بگویید؛ و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید. سپس (با این که پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید.). آری یهود در نعمات و فرصت ها راه طغیان را برگزید و از نعمات الهی محروم شد.

توجه به این نکته لازم است که آیه شانزدهم سوره جاثیه، گویا می خواهد جهات برتری بنی اسرائیل را بیان کند:

۱. برتری در کثرت ارسال پیامبران و معجزات. «لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ»

۲. برتری در نعماتی که بنی اسرائیل از آن بهره مند شدند. «زَرَقْنَا لَهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ» پس این آیات نه تنها برتری این قوم را اثبات نمی کند بلکه بیان می کند که آنان، با این کثرت ارسال پیامبران و برخورداری از نعمات فراوان، باز هم نافرمانی کرده و عهد و پیمان شکستند. حال آیا این آیات دلالتی بر برتری ذاتی یهود، آن هم در همه اعصار (۹۰) می کند؟ با این حال، یهودیان تندرو خود را بر همه اقوام برتر می دانند و بخاطر جبران حقارتی که در ۷۰ سال اسارت بابلی تحمل کردند، بر آن شدند تا تفسیری نژاد پرستانه از مساله برگزیدگی داشته باشند.

متن تلمود نیز بر همین اساس نگاهشده شد. تدوین تلمود در اواسط قرن دوم

میلادی، در حالی آغاز گشت که یهودیان کشور خود را از دست داده و پراکنده شده بودند. در واقع عالمان یهود که تلمود را می نگاشتند، با بزرگنمایی و طرح مساله برگزیدگی می خواستند بدبختی های قوم و آزار و فشارهایی که بر آن تحمیل می شد، قابل تحمل گردد. به همین سبب است که در تلمود، اندیشه قوم برتر بسیار جدی شد، حتی جدی تر از تورات. (۹۱) مضاف بر این، در جریان تسلط یافتن اسکندر مقدونی بر یهودیان و تاثیر پذیری یهود از فرهنگ یونان، برخی از یهودیان درصدد مقابله با تهاجم فرهنگ یونانی برآمدند و خود را حسیدیم یا پارسایان نامیده و برای جلوگیری از فرهنگ یونانی در میان یهود از عقیده «برگزیدگی نژاد پرستانه» بهره بردند تا مانع فرهنگ زدگی یهودیان از یونانیان شوند. «حسیدسیم» می کوشیدند تا کسانی که به فرهنگ یونانی روی آورده بودند را بدین نکته آگاه کنند که آنها قوم برگزیده خدایند و نباید مغلوب و تسلیم فرهنگ های بیگانه شوند. (۹۲)

برگزیدگی یهود تنها وقتی درست تحلیل می شود که آن را در جبران حقارت ها و برتری جویی سیاسی این قوم بر دیگر اقوام جستجو کرد. به همین منظور عده ای از محققین یهود این تفکر را برخواسته از متن دین نمی دانند و با برداشت نژاد پرستانه از آن مخالفت کرده اند. از نظر هنری اتلن برگزیدگی دلیل بر برتری ذاتی نیست. زیرا کتاب مقدس بر برگزیدگی مشروط دلالت می کند. (۹۳) از نظر اسپینوزا نیز، آیات تورات وقتی کنار هم قرار گیرند، بر موقتی بودن برگزیدگی بنی اسرائیل دلالت خواهند داشت. او می گوید تنها به یک شرط با ادعای یهودیان مبنی بر برگزیدگی از سوی خدا مخالفت ندارم و آن این که این برگزیدگی، اعم از موقت و ابدی، (بر همه جهانیان) تنها با رفاه زندگی جسمانی آنان در ارتباط باشد. (۹۴)

سرزمین موعود، توهمی دیگر

سرزمین موعود نیز یکی از باورهای تحریف شده یهودیان است که در گذر زمان دچار دگرگونی هایی شده است و وسیله ای گردیده برای موّجه جلوه دادن تحرّکات و سرزمین گشایی یهود صهیونیستی در فلسطین. اکنون جای این سوال است که: آیا سرزمینی به نام سرزمین موعود وجود خارجی دارد؟ آیا سرزمین موعود ملک مطلق یهودیان است؟ و آیا آیات تورات کنونی و قرآن، وجود این سرزمین را به عنوان سرزمین یهودیان تایید می کنند؟ آیاتی از تورات اشاره به سرزمینی دارند که متعلق به یهود و بنی اسرائیل است. سرزمینی که بر سرزمین های دیگر برتری دارد و سکونت در آن نشانه ایمان است و کسانی که خارج از آن زندگی کنند همانند بت پرستانند. سرزمینی که نماز باران و مراسمات خاصّ در آن برگزار می شود و مضمون برخی از ادعیه بیانگر این مطلب اند که ماشیح در آخرالزمان از این سرزمین ظهور خواهد کرد و در آنجا است که تاریخ پایان می پذیرد. (۹۵)

قرآن نیز در سوره مائده از سرزمینی به عنوان سرزمین مقدّس یاد می کند که حضرت موسی(علیه السلام) از یهودیان می خواهد تا به این سرزمین داخل شوند. «یا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (۹۶).

البته توجه به این نکته لازم است که از جمله «كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ» استفاده می شود: خداوند چنین مقرر داشته بود که بنی اسرائیل در این سرزمین مقدّس با آرامش و رفاه زندگی کنند، مشروط به این که آن را از شرک و بت پرستی پاک سازند و خودشان نیز از تعلیمات انبیاء منحرف نشوند، اما اگر این دستور را به کار نیندند، زبان های سنگینی دامان آنها را خواهد گرفت. بنابراین، اگر ملاحظه می کنیم نسلی از بنی اسرائیل که این آیه خطاب به

آنها بود، موفق به ورود در این سرزمین مقدس نشدند، بلکه چهل سال در بیابان سرگردان ماندند، بخاطر این بود که طبق شرایط و عهد الهی رفتار نکردند.

چنانکه آیات سوره مائده بیان می کند، گروهی از بنی اسرائیل نافرمانی کردند و از گناهکاران شدند. بنابراین از سرزمین مقدّس محروم گشتند.

«قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»: (۹۷) خداوند (به موسی) فرمود: این سرزمین (مقدّس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است، پیوسته در زمین، سرگردان خواهند بود و درباره این جمعیت گنهکار، غمگین مباش.

تورات نیز بخشش این سرزمین را منوط به اطاعت و فرمانبرداری بنی اسرائیل می داند و چنین می گوید:

«سرزمین کنعان را که اکنون در آن غریب هستی تا ابد به تو و به نسل تو خواهم بخشید... وظیفه تو و فرزندان و نسل های بعد این است که عهد مرا نگاه دارید و...» (۹۸)

«و خداوند بر وی (اسحاق) ظاهر شده گفت: به مصر فرود میا، بلکه به زمینی که به تو بگویم ساکن شو. در این زمین توقف نما، و با تو خواهم بود و تو را برکت خواهم داد، زیرا که به تو ذریت تو تمام این زمین را می دهم و سوگندی را که با پدرت ابراهیم خوردم استوار خواهم داشت.» (۹۹)

به همین سبب است که عده ای بر این باورند که آنچه اکنون به عنوان سرزمین موعود در بین یهودیان مرسوم است، یک باور ساختگی و تحریف شده می باشد و فقط وسیله ای برای توجیه جنایات و کشور گشایی اسرائیل است. و آنها این سرزمین را ملک مطلق و دائمی خود می دانند. چنانکه خاخام راشی در دفاع از باور سرزمین موعود، عبارت آغازین تورات را نقل می کند، آن جا که خدا می گوید: «خدا در ابتدا آسمان ها و زمین

را آفرید» (۱۰۰) و می نویسد: خداوند به جماعت اسرائیل و تمام جهانیان خبر داد که او خالق هستی است و از این رو اختیاردار و مالک مخلوقات است و هرگونه که بخواهد آن را تقسیم خواهد کرد، لذا اگر مردم به یهودی ها بگویند که شما از آن رو اشغالگر هستید که با جنگ و خونریزی سرزمین اسرائیل را از دست ساکنان یعنی ملت های هفت گانه کنعان گرفته و غصب کرده اید، در پاسخ به آنان باید گفت: این سرزمین همچون تمام دنیا ملک خداست و خدا آن را به ما بخشیده است: «و زمین غربت تو یعنی تمام زمین کنعان را به تو و بعد از تو به ذریت تو به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود» (۱۰۱). خلاصه آنکه سرزمین مقدس خارج از تاریخ و جزئی از آسمان و زمین است که خداوند آن را قبل از تاریخ خلق کرده و خدایی که در طبیعت و تاریخ حلول کرده، حق تصرف در هر دو دارد. مارتین بوبر نیز همین منطق را در عصر جدید برای توجیه سلطه صهیونیست ها بر سرزمین موعود به کار گرفته است.

در مقابل گروهی نیز یهود را امت روح (۱۰۲) می دانند یعنی امتی که هیچ سرزمینی ندارد و از نظر آنها سرزمین موعود یک مفهوم مذهبی است که بر هر سرزمینی که عبادت و اطاعت الهی در آن انجام شود اطلاق می شود. دکتر حسین الفوزی نویسنده کتاب «ارض موعود» (۱۰۳) با استناد به آیات قرآن کریم و برخی از اسفار تورات نشان داده است که «ارض موعود یهود»، تنها یک مفهوم مذهبی است و در هر نقطه ای از جهان که پیروان ادیان الهی اعم از مسلمانان، مسیحیان و یهودیان به عبادت خدا و آبادانی آن سرزمین اقدام کنند، همان نقطه سرزمین موعود است و آنچه اسرائیلی ها هم اکنون ادّعی آن را دارند، دروغی بیش نیست. مجمع اسقف های کلیساهای کاتولیک خاورمیانه نیز در پیام پایانی نشست دو هفته ای خود در واتیکان آوردند که: «اسرائیل نمی تواند

از عبارات توراتی (سرزمین موعود و قوم برگزیده) برای توجیه شهرک سازی های جدیدش در قدس و کرانه باختری استفاده کند».

«سیریل سلیم بوستورز»، اسقف شهر نیوتون ایالت ماساچوست آمریکا نیز بر این عقیده است که: رژیم اسرائیل حق ندارد با تکیه بر عبارت «سرزمین موعود» در کتاب مقدس، بازگشت همه یهودیان به سرزمین های اشغالی و اخراج مردم فلسطین از این سرزمین را توجیه کند. او معتقد است: «به باور ما مسیحیان، بحث درباره سرزمین موعود یهودیان، دیگر مفهومی ندارد؛ چرا که این کلمه متعلق به کتب عهد عتیق است و پس از آغاز رسالت حضرت مسیح(علیه السلام)، این عبارت خود به خود منسوخ می شود. پس از تولّد حضرت عیسی(علیه السلام)، ما از سرزمین موعود به عنوان سرزمینی یاد می کنیم که تحت فرمانروایی خداوند متعال است. این سرزمین، سرزمین محبّت، دوستی، عدالت و برابری است و همه در این سرزمین فرمانبردار خداوند متعال هستند.» (۱۰۴)

حقیقت این است که در سال ۱۸۹۵ میلادی بود که یک روزنامه نگار یهودی به نام تئودور هرتزل، بنیانگذار سازمان صهیونیزم جهانی کتابی به نام «دولت یهود» نوشت و ایجاد یک کشور جدید را راه حل پایان دادن به مشکلات یهودیان دانست. (۱۰۵) درست دو سال بعد از اتمام جنگ جهانی اول یعنی آوریل ۱۹۲۰ بود که جامعه ملل (سازمان ملل سابق) انگلستان را رسماً به عنوان قیم و سرپرست فلسطین تعیین کرد. از این زمان به بعد انگلیسی ها با وضع انواع و اقسام قوانین، شرایط را برای اشغال زمینها، ساختمانها و باغهای فلسطینی فراهم کردند(۱۰۶) و یهود صهیونیسم نیز با نظریه تحریف شده سرزمین موعود به توجیه این اشغالگری ها پرداخت.

آری، هم اکنون یهود صهیونیسم عقیده

سرزمین موعود را تحریف کرده و با رویکردی نژاد پرستانه راه جنایاتش را هموار می کند.

نتیجه نهایی

با توجه به آنچه گذشت، شکی نیست که آئین یهود دچار تحریف و آلوده به خرافات شده است. چون کتاب مقدّس آن که سند مکتوب هر آئین است، مورد دستبرد قرار گرفته و اعتبار آن مخدوش است. آئینی که اعتبار آن مخدوش شد مسلماً نمی تواند راه سعادت و تکامل را به بشر معرفی کند. و این مکتب نمی تواند برترین آئین باشد.

منابع:

۱. قران کریم .
۲. المیزان فی تفسیر القران طباطبایی سید محمد حسین دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم قم ۱۴۱۷ قمری چاپ پنجم.
۳. ترجمه تفسیر المیزان موسوی همدانی سید محمد باقر انتشارات اسلامی قم ۱۳۷۴ شمسی چاپ پنجم.
۴. کتاب مقدس ترجمه قدیم انتشارات ایلام انگلستان ۲۰۰۲ میلادی چاپ سوم.
۵. قاموس کتاب مقدس جمیز هاکس اساطیر تهران ۱۳۷۷ شمسی چاپ اول.
۶. سیر تاریخی تورات موسسه در راه حق موسسه در راه حق تهران بی تا چاپ دوم.
۷. تاریخ اورشلیم بیت المقدس سید محمد حمیدی امیر کبیر تهران ۱۳۸۱ شمسی چاپ دوم.
۸. تحلیلی از پیشگوییهای نوستر دامس شرف الدین اعرجی ترجمه عباسعلی براتی انتشارات سعید بن جبیر بی تا بی جا.
۹. تاریخ فلسفه ویل دورانت ترجمه عباس زریاب انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی ۱۳۷۱ شمسی چاپ دهم.
۱۰. آشنایی با ادیان بزرگ حسین توفیقی

انتشارات سمت ۱۳۷۹ شمسی چاپ پنجم.

۱۱. یهودیت عبد الرحیم سلیمانی اردستانیایات عشق قم ۱۳۸۲ شمسی چاپاول.

۱۲. مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس حسین کلباسی اشتری انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۴ شمسی چاپ اول.

۱۳. موسوعه البهود و البهودیه و الصهیونیه عبد الوهاب مسیری دار الشروق قاهره - بیروت ۱۹۹۹ میلادی چاپ اول.

۱۴. کتاب نژادپرستی صهیونیسم مجید صفا تاج انتشارات فلسطین بی تا بی جا.

۱۵. تاریخ یهود ایین یهود سابقه سه هزار ساله شاهاک اسراییل مترجم رضا استانه پرست قطره تهران ۱۳۷۸ شمسی چاپ اول.

۱۶. بوی خون محمد رضا واحدی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش تهران ۱۳۸۲ شمسی چاپ اول.

۱۷. سیاست و دیانت در اسراییل سید رضا تهامی انتشارات سنا تهران ۱۳۸۱ شمسی چاپ اول.

۱۸. مجموعه آثار استاد شهید مطهری مطهری مرتضی صدرا تهران چاپ ۱۳۸۳ شمسی چاپ چهارم.

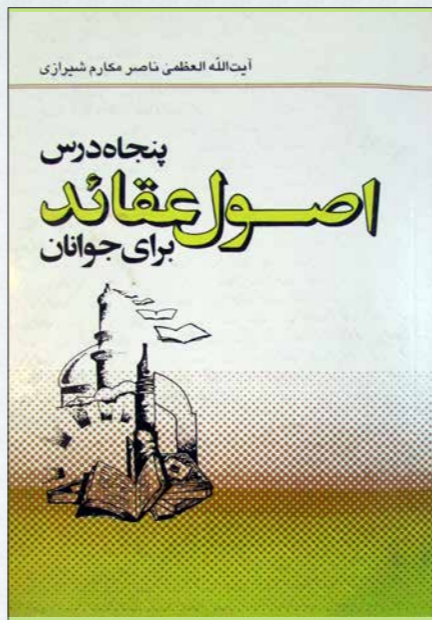
پی نوشت ها:

- (۱) . مجموعه آثار استاد شهید مطهری - وحی و نبوت، ج ۲، ص ۱۸۲، علل تجدید نبوتها .
- (۲) . همان .
- (۳) . همان .
- (۴) . «ما کانَ مُحَمَّدًا اِبا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَکِنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ» ؛ «محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ همانا او فرستاده خدا و پایان دهنده پیامبران است) (احزاب، آیه ۴۰)
- (۵) . لایوان از نسل لاوی بودند. لاوی خود سومین پسر یعقوب بوده است. (قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، ص ۷۵۹)
- (۶) . کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، سفر تثنیه، فصل ۳۱، آیه ۱۰ تا ۱۴ .
- (۷) . همان، کتاب اوّل سموئیل باب ۴ و ۵ .
- (۸) . سیر تاریخی تورات، موسسه در راه حق، تهران، چاپ دوّم، ص ۹ .
- (۹) . تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۸۰، الخبر عن ملوک بابل من النبط و السریانیین و ملوک الموصل و نینوی من الجرامقة.

سیری در کتاب

«پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان»

اثر آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



ضرورت و اهمیت تبیین و ترویج اعتقادات در جامعه اسلامی

آورد و در سایه آن می توانند جامعه ای آباد، آزاد، مستقل و پرافتخار بسازند. [۴]

از سوی دیگر اگر دین به صورت یک سلسله تشریفات و آداب ظاهری و خالی از محتوا در میان مردم باشد بدهی است تأثیری در نظام مادی اجتماع نخواهد داشت، اما آن گاه که اعتقادات معنوی و روحانی آن چنان در اعماق روح انسان نفوذ کند که آثارش در دست و پا و چشم و گوش و زبان و تمام ذرات وجودش ظاهر گردد، آثار سازنده این اعتقادات در جامعه بر هیچکس مخفی نخواهد ماند. [۵]

لذا در این عصر و زمان به ویژه در پیروزی انقلاب اسلامی و دیگر برهه های حساس تاریخی، به خوبی مشاهده کردیم که اعتقادات اسلامی چگونه توانست بر نیرومندترین اسلحه زمان و قوی ترین ارتشها و قدرتهای استعماری پیروز گردد، و این نشان می دهد کار برد عقائد دینی تا چه حد در مسائل اجتماعی و سیاسی زیاد است؛ [۶] زیرا اعتقادات جنبه درونی دارد و مستقیماً با حوزه عمل و رفتار انسان ها و با زندگی روزمره آنها سر و کار دارد و گسترده ترین بخش دین است لذا از یک اصل از اصول اعتقادی ممکن است هزاران عمل برخیزد و انسان در برابر آن اصل واحد به هزاران عمل و رفتار ملزم و مکلف شود. [۷]

بی شک اسلام قانون نهایی و جامع دوران بلوغ بشریت است، از نظر اعتقادات کامل ترین محتوای بینش دینی و از نظر عمل نیز چنان تنظیم یافته که بر نیازمندی های انسان ها در هر عصر و زمانی منطبق است. [۱]

هم چنین فرهنگ یک جامعه، قیل از هر چیز بر عقاید آن جامعه استوار است، و برای هرگونه اصلاحات فرهنگی باید به اصلاح عقاید پرداخت، چراکه تا پایه های محکمی از عقیده نباشد، شکل گیری و اصلاح ایدئولوژی ها و رفتارها ممکن نیست. [۲]

به همین دلیل در شرایط نابسامان دنیای کنونی، و طوفانهای سختی که از هر سو می وزد و مظالم و مفسد عظیمی که سایه شوم بر جوامع بشری انداخته، باید به سراغ تحکیم پایه های عقیده رفت. [۳]

انسانها به ویژه جوانان با اتکا به عقیده ای محکم به مبدأ جهان هستی و داشتن اعتقادی روشن و شفاف، نسبت به اهداف آفرینش و مسیری که انسان در این مجموعه در پیش دارد، به نیروی عظیم و مستقلی مبدل می شوند که در برابر هیچ فکر و قدرت شیطانی سر فرود نخواهند

بی تردید ارتقای معارف اسلامی در جامعه، در گرو ارائه مجموعه کامل از دروس اعتقادی به عنوان نسخه نهایی برای غالب مردم امکان پذیر است. مجموعه ای که در بردارنده تمام مایحتاج کسانی است که به دنبال افتخار و اغنای ذهن خود بوده و به چینش اعتقادات صحیح برای خویشتن اهتمام می ورزند.

جهت برتری داشته اند. (۹۱). اندیشه های نژاد پرستانه در بسیاری از تعالیم و آموزه های یهود به چشم می خورد که متأثر از کتاب تلمود است. تا جایی که برخی منشا اندیشه برگزیدگی را منشا تلمودی می دانند. تاریخ یهود، آیین یهود (سابقه سه هزار ساله)، شاهاک، اسرائیل، مترجم: رضا آستانه پرست، ص ۸۲-۸۷ (۹۲). مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، دکتر حسین کلباسی اشتری، ص ۲۷۱. (۹۳). اندیشه قوم برگزیده در یهودیت، رضا گندمی، مجله هفت آسمان، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۴. (۹۴). Spinoza، ۴۴. به نقل از اندیشه قوم برگزیده در یهودیت، رضا گندمی، مجله هفت آسمان، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۴. (۹۵). موسوعه اليهود و اليهودیه و الصهيونیه، عبد الوهاب مسیری، ج ۵، ص ۷۸. (۹۶). سوره مائده، آیه ۲۱. (۹۷). سوره مائده، آیه ۲۶. (۹۸). کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، فصل ۱۷، آیات ۸ تا ۱۱. (۹۹). همان، پیدایش، فصل ۲۶، آیات ۲ و ۳. (۱۰۰). همان، پیدایش، فصل ۱، آیه ۱. (۱۰۱). همان، پیدایش، فصل ۱۷، آیه ۸. (۱۰۲). فصلنامه هفت آسمان، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۴، صفحه ۶۳، اندیشه قوم برگزیده در یهودیت، رضا گندمی. (۱۰۳). کتاب «ارض موعود» نویسنده دکتر حسین الفوزی. (۱۰۴). خراسان، مورخ دوشنبه ۱۳۸۹/۰۸/۰۳، شماره انتشار: ۱۷۶۸۲. (۱۰۵). بوی خون، محمد رضا واحدی، ص ۳۴. (۱۰۶). سیاست و دیانت در اسرائیل، سید رضا تهامی، ص ۳۵۶.

آیه ۱ تا ۲۷. (۵۳). همان، سفر پیدایش، فصل ۹، آیه ۲۰، ۲۱، ۲۲. (۵۴). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۹، آیه ۳۱ تا ۳۸. (۵۵). همان، هوشع، فصل ۱، آیه ۲ و ۳. (۵۶). همان، داوران، فصل ۱۱، آیه ۱. (۵۷). همان، ترجمه شریف، اول پادشاهان، فصل ۱۳، آیه ۱۹. (۵۸). همان، اول پادشاهان، فصل ۱۱، آیه ۶ و ۷. (۵۹). همان، سفر خروج، فصل ۳۲، آیه ۱ تا ۷. (۶۰). همان، سفر اعداد، فصل ۳۱، آیه ۹ تا ۱۸. (۶۱). همان، سفر خروج، فصل ۳۲، آیه ۳۱ و ۳۲. (۶۲). همان، سفر پیدایش، فصل ۳۲، آیه ۲۴ تا ۳۱. (۶۳). همان، ترجمه شریف، سموئیل دوم، فصل ۱۱، آیه ۱ تا ۲۷. (۶۴). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۹، آیه ۳۱ تا ۳۸. (۶۵). همان، سفر پیدایش، فصل ۹، آیه ۲۰، ۲۱، ۲۲. (۶۶). همان، هوشع، فصل ۱، آیه ۲ و ۳. (۶۷). همان، داوران، فصل ۱۱، آیه ۱. (۶۸). همان، ترجمه شریف، اول پادشاهان، فصل ۱۳، آیه ۱۹. (۶۹). همان، اول پادشاهان، فصل ۱۱، آیه ۶ و ۷. (۷۰). همان، سفر خروج، فصل ۳۲، آیه ۱ تا ۷. (۷۱). همان، سفر اعداد، فصل ۳۱، آیه ۹ تا ۱۸. (۷۲). همان، سفر خروج، فصل ۳۲، آیه ۳۱ و ۳۲. (۷۳). همان، سفر پیدایش، فصل ۳۲، آیه ۲۴ تا ۳۱. (۷۴). همان، ترجمه شریف، حزقیال، فصل ۴، آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵. (۷۵). همان، اشعیا، فصل ۲۰، آیه ۲. (۷۶). همان، ارمیا، فصل ۲۷، آیه ۲. (۷۷). کتاب نژادپرستی صهیونیسم، مجید صفا تاج، ص ۲۴. (۷۸). همان، صفحه ۲۵. (۷۹). کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، سفر پیدایش، فصل ۱۵ و سفر پیدایش، فصل ۱۷، آیه ۲. (۸۰). «و عهد خود را در میان خود و تو خواهم بست، و تو را بسنبار بسیار کثیر خواهم گردانید»، (همان، سفر پیدایش، فصل ۱۷، آیه ۲). (۸۱). حضرت موسی مأموریت یافت برای گفت و گو با خداوند (یهوه) به بالای طور (کوه) سینا برود و در آنجا دو لوح دریافت کرد که فرمان هایی بر آن نقش بسته بود که به ده فرمان معروف است؛ این فرمان ها عبارتند از: ۱. برای خود، خدایی جز من نگیرید. ۲. به بت سجده نکنید. ۳. نام خدا را به باطل نبرید. ۴. شنبه را گرامی بدارید. ۵. پدر و مادر را احترام کنید. ۶. مرتکب قتل نشوید. ۷. زنا نکنید. ۸. دزدی نکنید. ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید. ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید. (مراجعه کنید به کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، سفر خروج، فصل ۲۰؛ سفر تثنیه، فصل ۵). (۸۲). کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، سفر خروج، فصل ۱۹، آیه ۵. (۸۳). همان، سفر تثنیه، فصل ۱۱، آیه ۱۳ تا ۱۸. (۸۴). همان، سفر تثنیه، فصل ۳۱، آیات ۱۴ تا ۱۸. (۸۵). همان، ارمیای نبی، فصل ۱۱، آیات ۶ تا ۹. (۸۶). سوره بقره، آیات ۴۷ و ۱۲۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۰. سوره جاثیه، آیه ۱۶. سوره دخان، آیه ۳۲. (۸۷). سوره جاثیه، آیه ۱۶. (۸۸). سوره بقره، آیه ۴۰. (۸۹). سوره بقره، آیه ۸۳. (۹۰). علامه طباطبایی در تفسیر «فضلناهم علی العالمین» می گوید: اگر مقصود از جهانیان، همه جهانیان باشد، پس آنان از برخی جهات مانند کثرت انبیا و معجزات فراوان بر دیگران برتری دارند و اگر مقصود همه جهانیان عصر خودشان باشد، از همه

(۱۰). کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، کتاب ارمیای نبی، فصل ۴، آیه ۱۴ تا ۲۹. (۱۱). تاریخ اورشلیم، دکتر سید جعفر حمیدی، ص ۱۳۲. (۱۲). علامه طباطبایی عزرا را همان عزیر نبی می داند. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۳، بیان). (۱۳). همان؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۲۴. معرفی عزیر و بیان اینکه مراد یهود از اینکه گفتند عزیر پسر خدا است چه بوده است. (۱۴). مراجعه کنید به: تحلیلی از پیشگوییهای نوستر دامس، شرف الدین اعرجی، ترجمه: عباسعلی براتی، ص ۱۵۰. (۱۵). سوره، بقره، آیه ۷۹. (۱۶). سوره آل عمران، آیه ۷۸. (۱۷). سوره مائده، آیه ۱۳. (۱۸). سوره بقره، آیه ۱۴۶. (۱۹). سوره مائده، آیه ۱۵. (۲۰). ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، ص ۱۴۰. (۲۱). آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، ص ۸۲؛ باروخ اسپینوزا، «مصنف واقعی اسفار پنج گانه»، ترجمه علی رضا آل بویه، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱، صفحه ۹۰ تا ۹۴. (۲۲). مدخلی بر تبارشناسی کتاب مقدس، دکتر حسین کلباسی اشتری، ص ۱۸۴ و ۱۸۵. (۲۳). همان، ص ۱۸۴. (۲۴). یهودیت، عبد الرحیم سلیمانی اردستانی، ص ۱۹۱. (۲۵). رجوع کنید به: مجله رواق اندیشه، شماره ۳، مقاله نقد و بررسی عهد عتیق از کتاب مقدس، عباس نیکزاد. (۲۶). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۳۰۶ - ۳۱۵. ۴ - تورات فعلی در باره ابراهیم(ع) چه می گوید؟ (۲۷). کتاب مقدس، (ترجمه قدیم)، سفر پیدایش، فصل ۵، آیه ۱. (۲۸). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۸، آیه ۱ تا ۸. (۲۹). همان، سفر خروج، فصل ۱۲، آیه ۱۲، ۱۳. (۳۰). همان، سفر پیدایش، فصل ۳، آیه ۸، ۹، ۱۰. (۳۱). همان، فصل ۱۵، آیه ۱۰ و ۱۱؛ همان، سفر پیدایش، فصل ۶، آیه ۶، ۷ و ۸. (۳۲). همان، سموئیل اول، فصل ۲، آیه ۳۰. (۳۳). همان، سفر پیدایش، فصل ۳، آیه ۱ تا ۶. (۳۴). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۱، آیه ۴ تا ۹. (۳۵). همان، سفر پیدایش، فصل ۳۲، آیه ۲۴ تا ۳۱. (۳۶). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۸، آیه ۱ تا ۸. (۳۷). همان، دانیال، فصل ۷، آیه ۹. (۳۸). همان، سفر پیدایش، فصل ۵، آیه ۱. (۳۹). همان، دانیال، فصل ۷، آیه ۹. (۴۰). همان، سفر خروج، فصل ۲۴، آیه ۹ و ۱۰. (۴۱). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۸، آیه ۱ تا ۸. (۴۲). همان، مزامیر، فصل ۱۳۲، آیه ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۳، ۱۴. (۴۳). همان، سفر خروج، فصل ۱۲، آیه ۱۲، ۱۳. (۴۴). همان، سموئیل اول، فصل ۱۵، آیه ۱۰ و ۱۱. (۴۵). همان، سفر پیدایش، فصل ۶، آیه ۶، ۷ و ۸. (۴۶). همان، ترجمه شریف، سموئیل اول، فصل ۲، آیه ۳۰. (۴۷). همان، سموئیل اول، فصل ۲، آیه ۳۰. (۴۸). همان، سفر پیدایش، فصل ۳، آیه ۱ تا ۶. (۴۹). همان، سفر پیدایش، فصل ۳، آیه ۸، ۹، ۱۰. (۵۰). همان، سفر پیدایش، فصل ۱۱، آیه ۴ تا ۹. (۵۱). ذیل عنوان «تحریفات در باب پیامبران الهی» به آن خواهیم پرداخت. (۵۲). همان، ترجمه شریف، سموئیل دوم، فصل ۱۱،

معرفی اجمالی کتاب «پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان»

کتاب «پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان» مجموعه ای دقیق و مستدل و در عین حال جالب و شیرین از اعتقادات خالص اسلامی است که در آن، یک دوره عقاید اسلامی از توحید تا معاد را به صورت آموزشی برای نسل نو توضیح داده است. تا آنان بتوانند در این شرایط خاص انقلاب اسلامی، خود را بسازند و ایمانی نیرومند که در اعمال و رفتار آنها پرتوافکن باشد، فراهم آورند و هم مقدمه‌ای باشد برای مطالعات بیشتر.

لذا آن کتاب ارزشمند برای همگان به ویژه جوانان که به عنوان اولین گام در پی مطالعه جامع در زمینه اعتقادات تشیع هستند به عنوان اثری مهم و تأثیر گذار قلمداد می شود. این مجموعه که به تالیف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) به رشته تحریر درآمده است، با بیانی شیوا وادله ای گویا و همچنین مثال ها و شواهدی روشن در ضمن بحث ، اصول اعتقادات را برای مخاطب کتاب که عامه اهل مطالعه هستند تبیین می نماید. از این رو در اختیار آحاد جامعه به ویژه نسل جوان قرار گرفته تا راهگشای همه کسانی باشد که می خواهند اصول عقائد اسلامی را در فاصله کوتاهی فرا گیرند یا تدریس کنند.

ساختار کلی کتاب در یک نگاه

کتاب «پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان»، رساله مختصری است که از مقدمه ناشر و متن اصلی، شامل پنج بخش و هر بخش مشتمل بر ده درس تشکیل شده است؛ روش صاحب اثر در این کتاب، استدلالی کلامی است و از ادله عقلی و نقلی هر دو بهره برده است.

مؤلف در این اثر، اصول عقائد اسلامی (خداشناسی، عدل الهی، پیامبرشناسی، امام شناسی و معادشناسی) را تشریح و درباره هر کدام از آنها ده درس را ارائه

می کند که در انتهای هر درس، چند سوال مطرح می شود تا خواننده با پاسخ به آن بتواند خودآزمایی کند و خویش را محک بزند که چه مقدار توانسته مطالب کتاب را دریابد.

گفتنی است بخش های مختلف این مجموعه فاخر ، با دقت و ابتکار خاصی تهیه شده است و رویکرد دقیق و علمی و در عین حال روان مؤلف به جاذبه های این کتاب افزوده است. با توجه به اوصافی که برای این مجموعه شمرده شد، می توان گفت که این کتاب از جمله بهترین ها برای آغاز مطالعه جوانان و اهل معرفت اعتقادی در هر شغل و جایگاه اجتماعی و در هر مقطع سنی است.

بدیهی است این دروس برای دانش آموزان سطح راهنمایی و دبیرستان به خوبی قابل استفاده است، همچنین برای تمام کسانی که اطلاع درستی از اصول عقائد اسلامی ندارند می تواند به عنوان گنجینه عظم فکری اعتقادی مورد نظر قرار گیرد.

هم چنین روش شناسی جذاب تألیف این اثر به گونه ای است که با در نظر گرفتن جوائز برای کسانی که از عهده پاسخ به پرسش های فراز های پایانی بخش های پنج گانه کتاب برآیند ، می توان عمق فهم مسائل اعتقادی را در میان نوجوانان و جوانان افزایش داد.

البته باید گفت این اثر نفیس، مقدمه ای است برای مطالعه بیشتر مسائل اعتقادی؛ از این رو پاسخ برخی از پرسش های احتمالی حاصل از مطالعه کتاب در مسائلی هم چون خداشناسی... را می توان در دیگر آثار معظم له از قبیل «آفریدگار جهان»، «در جستجوی خدا» و «پرسش ها و پاسخ های مذهبی» دریافت. [۸]

گزارش محتوایی اثر

در این اثر فاخر؛ برش های متعدد اعتقادی وجود دارد که از جمله مهمترین

ساختار کتاب را به خود اختصاص داده است که اهم آن به شرح ذیل است:

۱. نگاهی به آسمان تیره شب می دوزیم، یک پرنده استثنایی را در لابه لای پرده های ظلمت همچون شبح اسرارآمیزی می بینیم که با شجاعت تمام به هر سو برای پیدا کردن طعمه خویش در پرواز است. این پرنده همان «شب پره» یا «خفاش» است که همه چیزش عجیب است، اما پروازش در دل تاریکی شب از همه عجیب تر. حرکت سریع خفاش در تاریکی شب بدون برخورد به مانع، به قدری شگفت انگیز است که هر قدر درباره آن مطالعه شود، اسرار تازه ای از این پرنده اسرارآمیز به دست می آید. این پرنده در میان تاریکی با همان سرعت و شجاعتی حرکت می کند که کبوتر تندپرواز در دل آفتاب و مسلماً اگر وسیله ای برای اطلاع از وجود موانع نداشت، خیلی دست به عصا حرکت می کرد. اگر او را در تونلی تاریک و باریک و پرپیچ و خم که آن را به دوده آغشته باشند رها سازند، از تمام پیچ و خم ها می گذرد، بدون اینکه حتی یک بار به دیوار تونل برخورد کند و ذره ای دوده روی بال او بنشیند. این وضع عجیب خفاش، معلول خاصیتی در وجود او است شبیه خاصیت رادار. [۹]

۲. قرآن مجید در مسئله جبر و اختیار صراحت دارد و به وضوح آزادی اراده انسان را اثبات می کند و صدها آیه در قرآن در زمینه آزادی اراده انسان آمده است:

الف) تمام آیاتی که در آن امر و نهی و تکلیف و برنامه آمده است، همه دلیل بر اختیار و آزادی اراده انسان است؛ چراکه اگر انسان مجبور بود، امر و نهی، لغو و بیهوده بود.

ب) تمام آیاتی که سخن از ملامت بدکاران و مدح و توصیف نیکوکاران می گوید، دلیل بر اختیار است؛ چراکه در صورت جبر، هم آن ملامت و هم آن مدح و ستایش معنی ندارد.

ج) تمام آیاتی که سخن از سؤال در روز قیامت و محاکمه در آن دادگاه و سپس پاداش و کیفر و بهشت و دوزخ می گوید، دلیل بر اختیار است؛ چون در فرض جبر تمام اینها نامفهوم و سؤال و محاکمه و مجازات بدکاران ظلم محض است.

د) تمام آیاتی که سخن از این می گوید که انسان در گرو اعمال خویش است مانند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ [۱۰]؛ «هر انسانی در گرو اعمال خود می باشد» و «كُلُّ اٰمِرٍ بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ [۱۱] هر فردی در گرو اعمالی است که انجام داده» و مانند اینها به روشنی اختیار انسان را ثابت می کند.

ه) آیاتی مانند: «اِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُوْرًا [۱۲]؛ ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه شکرگزاری کند یا کفران» نیز دلیل روشنی بر این مدعاست. [۱۳]

۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در زمینه برنامه های اجرایی هرگز اجازه نداد که از منطق «هدف وسیله را توجیه می کند» استفاده کنند، برای رسیدن به هدف های مقدس به دنبال وسائل مقدس بود، صریحاً می فرمود «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰی اَلَّا تَعْدِلُوْا [۱۴]؛ دشمنی با هیچ گروه نباید مانع شما از اجرای عدالت گردد». دستوراتش در زمینه رعایت اصول اخلاقی در میدان جنگ، عدم تعرض نسبت به غیر نظامیان، از بین نبردن نخلستان ها و درختان، آلوده ساختن آب آشامیدنی دشمن و رعایت نهایت محبت با اسیران جنگی و ده ها مانند آن، روشنگر این واقعیت است. [۱۵]

۴. شکی نیست که ما در مسائل اسلامی نیاز به رهبر داریم و با عدم وجود پیامبر و غیبت جانشین او، مسئله رهبری متوقف می شود و با توجه به اصل خاتمیت، انتظار ظهور پیامبر دیگری را نیز نمی توان داشت. آیا این امر ضایعه ای برای جامعه اسلامی نیست؟ در پاسخ می گوئیم برای این دوران نیز پیش بینی لازم در

اسلام شده است و از طریق «ولایت فقیه» است که رهبری را برای فقیهی که جامع الشرایط و دارای علم و تقوی و بینش سیاسی در سطح عالی باشد، تثبیت کرده است و طریق شناخت چنین رهبری نیز به روشنی در قوانین اسلام ذکر شده؛ بنابراین از این ناحیه نگرانی وجود نخواهد داشت. بدین ترتیب ولایت فقیه همان تداوم خط انبیا و اوصیای آنها است. رهبری فقیه جامع الشرایط دلیل بر این است که جوامع اسلامی بدون سرپرست رها نشده اند. [۱۶]

لازم به ذکر است تألیف کتاب گرانسنگ «پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان» در یک جلد و در ۴۰۰ صفحه، توسط انتشارات نسل جوان به زیور طبع آراسته شده و تا کنون نیز به دفعات، تجدید چاپ شده است به نحوی که آن اثر نفیس به عنوان یکی پرفروش ترین آثار معظم له، عرصه های فکری و عقیدتی جامعه را از آن خود کرده است.

هم چنین علاوه بر چاپ این کتاب به زبان فارسی ، با توجه به جایگاه ارزشمند این مجموعه در بین مخاطبان خود در کشورهای مختلف و نیز با توجه به تبحر معظم له در تالیف کتبی از این دست ، این کتاب به زبان های عربی، انگلیسی، اردو و بسیاری از زبان های دیگر دنیا ، ترجمه و چاپ شده است.

پی نوشت:

- [۱] پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان ؛ ص ۲۲۲.
- [۲] آفریدگار جهان ؛ ص ۱۵.
- [۳] همان.
- [۴] همان.
- [۵] تفسیر نمونه ؛ ج ۹ ؛ ص ۱۳۳.
- [۶] همان.
- [۷] دائرة المعارف فقه مقارن ؛ ج ۱ ؛ ص ۶۶.
- [۸] رک: مقدمه کتاب؛ ص ۹-۱۰.
- [۹] پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان ؛ ص ۵۳.
- [۱۰] سوره مدثر؛ آیه ۳۸.

[۱۱] سوره طور؛ آیه ۲۱.

[۱۲] سوره دهر؛ آیه ۳.

[۱۳] پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان ؛ ص ۱۳۳-۱۳۴.

[۱۴] سوره مائده؛ آیه ۸.

[۱۵] پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان ؛ ص ۲۱۶.

[۱۶] همان، ص ۲۲۷ - ۲۲۸.

سامانه پیام کوتاه

پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه

بخش پاسخگویی به مسائل شرعی بر بستر پیامک به شماره ۱۰۰۰۰۱۰۰ از سال ۱۳۸۷ راه اندازی شده است. این بخش با بهره گیری از کارشناسان مسائل شرعی با آگاهی از نظرات فقهی حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی مد ظلّه در تمام ایام سال و در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخگوی سوالات شرعی مقلدین معظم له می باشد. سامانه پیام کوتاه به دو روش آنی و عادی خدمات رسانی می کند:

۱- **عادی:** در این روش مقلدین معظم له متن سوالات شرعی خود را به شماره ۱۰۰۰۰۱۰۰ پیامک نموده و در کمتر از ۲۴ ساعت پاسخ آن را دریافت می کنند. ۲- **آنی:** با ارسال عدد ۱ به شماره ۱۰۰۰۰۱۰۰ بلافاصله به فهرستی از احکام همراه با شماره مربوطه دسترسی پیدا کرده که با ارسال هر یک از شماره ها، حکم مورد نظر را دریافت می کنند. همچنین به همت معاونت محتوای اعتقادی پایگاه، مجموع ۴۹۷۹ عنوان

اهمیت «حفظ وحدت» از منظر اسلام

پرسش: «حفظ وحدت» در آیات و روایات از چه جایگاهی برخوردار است؟

پاسخ اجمالی: حفظ وحدت از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد؛ قرآن در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران فرموده: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید». همچنین در آیه ۶۵ سوره انعام، اختلاف افکنان را تهدید کرده و می فرماید: «کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون او [مذاهب مختلف] تقسیم شدند ... سر و کار آنها تنها با خدا است». حتی در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره روم، اختلاف و پراکندگی را یکی از علائم «شُرک» شمرده و می گوید: «و از مشرکان نباشید از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروهها تقسیم شدند».

پاسخ تفصیلی: حفظ وحدت از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد و در سایه همین اتحاد نیرومند و مقدس، و جمعیت فشرده و هماهنگ بود که مسلمانان در صدر اسلام توانستند در برابر آن همه دشمنان فراوان، ایستادگی به خرج دهند. آری اسلامیه آنها گفته بود: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (۱)؛ (همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام] هر گونه وسیله رحمت [چنگ بزنید و پراکنده نشوید) و به این وسیله آنها را صریحاً از پراکندگی نهی کرده بود.

اسلام به اندازه ای نفاق را منفور شمرده که در ردیف عذابهای آسمانی قرار داده و می گوید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (۲)؛ (بگو: او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته های پراکنده شما را به هم بیامیزد و طعم جنگ [و

اختلاف] را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند).

اسلام یک دشمنی آشتی ناپذیر با «اختلاف طلبان» دارد و صریحاً می گوید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أُمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ» (۳)؛ (کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته های گوناگون او [مذاهب مختلف] تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست).

در جای دیگر اختلاف و پراکندگی را یکی از علائم «شُرک» شمرده و می گوید: «وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيْعًا كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فِرْحُونٌ» (۴)؛ (و از مشرکان نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروهها تقسیم شدند! و [عجب این که] هر گروهی به آنچه نزد آنهاست [دل بسته و] خوشحالند!).

در نهایت توصیه اسلام به وحدت و یکپارچگی است و می گوید: «ان الشَّادَّ مِنَ الْغَمِّ لِلذَّبِّ» (۵)؛ (گوسفندان تک رو طعمه گرگاندند). (۶)

راه حل اتحاد مذهبی

پرسش: آیا راه حل اتحاد مذهبی عدول مذاهب از عقاید خویش است؟

پاسخ اجمالی: راه نجات مسلمانان از پراکندگی نه در دست کشیدن شیعیان از مذهب شان و گرویدن به مذهب جمهور است و نه عدول اهل سنت از مذهب شان به تشیع. بلکه اتفاق مسلمانان با به رسمیت شناختن مذهب همدیگر حاصل می گردد.

پاسخ تفصیلی: راه نجات مسلمانان از پراکندگی، این کار بر عدول شیعه از مذهبش و گرویدن به مذهب جمهور متوقف نیست، بر عدول اهل سنت از مذهبشان نیز متوقف نیست، و مکلف ساختن شیعه نیز به دست برداشتن از مذهب خویش، تکلیفی است بدون

ترجیح، بلکه مرجوح و بی دلیل است؛ بلکه تکلیفیه چیزی است که مقدور نیست،

بلی، اتفاق و اتحاد مسلمانان از این طریق صورت می گیرد که برادران اهل سنت، مذهب اهل بیت (علیهم السلام) را آزاد اعلام کنند و آن را همچون یکی از مذاهب خود بدانند [که هر مسلمانی بتواند طبق آن عمل نماید] آن چنان که نظر پیروان هر کدام از مذاهب شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی نسبت به شیعه آل محمد (صلی الله علیه و آله) همچون نظرشان نسبت به پیروان مذهب دیگر باشد. از این راه است که پراکندگی مسلمین به اجتماع تبدیل می شود و پیوند اجتماعی شان محکم و منظم خواهد شد.

[این نکته نیز پوشیده نیست که: اختلاف بین خود مذاهب چهارگانه اهل سنت کمتر از اختلاف بین آنها و بین مذهب شیعه نیست. شاهد گویای این سخن هزاران کتاب است که در اصول و فروع مذهب این دو گروه تالیف شده است.

پس چرا شایعه پردازان اهل سنت، در میان مسلمانان، شایع می کنند که شیعه مخالف اهل سنت است، اما شایع نمی کنند که اهل سنت مخالف شیعه اند؟

و چرا شایع نمی کنند که گروهی از اهل تسنن مخالف گروه دیگرند؟

اگر جایز است که چهار مذهب باشد، چرا پنج تایی آن جایز نیست؟

چطور ممکن است که وجود چهار مذهب با اجتماع و اتحاد مسلمانان موافق باشد، اما همین که به پنج رسید، اجتماع از هم پراکنده می شود و مسلمانان هر کدام به راهی می روند [و موجب از هم گسیختگی آنها خواهد شد]؟

چه شد که برادران اهل سنت تابعان مذهب اهل بیت (علیهم السلام) را سبب قطع پیوند اجتماعی و پراکنده شدن می دانند، اما پیروان دیگر مذاهب را، هر چند از نظر مذهب، مشرب و خواسته ها

متعدد و مختلف باشند، باعث اجتماع دل ها و اتحاد عزم ها می پندارند؟ (۷)

نگاه قرآن به فرقه گرایی در اسلام

پرسش: قرآن چه نگاهی به فرقه گرایی در اسلامدارد؟

پاسخ اجمالی: اسلام، مردم را به همبستگی و دوری از جدایی دعوت نموده و قرآن، همه انسان ها را به گردآمدن بر محور توحید سفارش می کند و تفرقه را عامل دوری از راه مستقیم دین می داند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز پیوسته از لزوم پایبندی به اصول و مبانی، سخن گفته و امت خود را از گرفتار شدن در دام دین سازان و بدعت گذاران بیم می داد و زبان های ناشی از تفرقه را گوشزد می کرد. اما دیری نگذشت که امت اسلامی گرفتار انشعاب شد و مسلمانان به شاخه های گوناگون تقسیم شدند و موج فرقه گرایی سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفت.

پاسخ تفصیلی: اسلام، مردم را به همبستگی و دوری از جدایی دعوت نموده است. قرآنکریم با بیان رهنمودهای روشن، همه انسان ها را به گردآمدن بر محور توحیدسفارش می کند و تفرقه را عامل دوری از راه مستقیم دین می داند آنجا که می فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ» (۸)؛ «از راه های گوناگون پیروی نکنید که شما را از طریق حق باز می دارد.»

رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) نیز که جز به عزّت و شوکت اسلام و زیستن مسلمانان بر اساس ارزش های والای دین خدانی اندیشید، پیوسته از لزوم پایبندی به اصول و مبانی سخن گفته و امت خود را از گرفتار شدن در دام دین سازان و بدعتگذاران بیم می داد و نیز راه گریز از زبان های ناشی از تفرقه را گوشزد می کرد.

این همه سفارش ها از آن رو بود که پیروان آخرین دین آسمانی، راه گذشتگان خود را نپویند و بسان آنان دچار فرقه های ستیزه جو نگردند.

خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (۹)؛ (مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و بعد از آن که دلایل روشن به آن ها عرضه شد، گرفتار اختلاف گردیدند).

اما دیری نگذشت که امت اسلامی گرفتار انشعاب شد و مسلمانان به شاخه های گوناگون تقسیم شدند و بر خلاف توصیه های قرآن رهنمودهای پیامبرگرامی(صلی الله علیه وآله) موج فرقه گرایی سراسر جامعه اسلامی را فرا گرفت.

رشد و گسترش فرقه گرایی و استمرار آن، شماری از دانشمندان را به چاره اندیشی فراخواند و این حقیقت را برای آنان آشکار کرد که باید از یک سو عوامل بدبینی و جدایی مسلمانان از یکدیگر را نابود سازند و از سوی دیگر با کند و کاو بیشتر در منابع اصیل اسلامی در شناخت ارزش های اصیل دین بکوشند.

بدیهی است که هر دو اقدام می توانست ثمرات سودمندی را در پی داشته باشد و امت اسلامی را در صفوف به هم فشرده به مقابله با اسلام ستیزان و بدخواهان فراخواند. اما افسوس که این تلاش نافرجام ماند و بدخواهان به جای همکاری، بانگ جدایی سردادند و خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمن ریختند و همونا با بدخواهان به طرد مسلمانان و گسترش فرقه ها برخاستند. (۱۰)

پی نوشت:

- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
- (۲). سوره انعام، آیه ۶۵.
- (۳). همان، آیه ۱۵۹.
- (۴). سوره روم، آیات ۳۱ و ۳۲.
- (۵). از سخنان امام علی(علیه السلام): «وَ اَيُّكُمْ وَ الْفِرْقَةُ! فَاِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا ان الشَّاذَّ مِنَ النَّعْمِ لِلذَّبِّ»؛ (از پراکندگی بهره‌زید که «انسان تنها» بهره شیطان است؛ چنان که گوسفند تک رو طعمه گرگ است). (نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ قمری، چاپ اول، ص ۱۸۴، خطبه ۱۲۷).

(۶). گردآوری از کتاب، جلوه حق (بحثی پیرامون صوفیگری در گذشته و حال)، مکارم شیرازی، ناصر،

احکام شرعی

نسل جوان، قم، ۱۳۸۴ شمسی، چاپ سوم، ص ۴۷.
(۷). گردآوری از کتاب: المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی، ترجمه محمد جعفر امامی، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ ششم، ص ۴۷.

(۸). سوره انعام، آیه ۱۵۳.

(۹). سوره آل عمران، آیه ۱۰۵.

(۱۰). گردآوری از کتاب: سلفی گری و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ پنجم، ص ۹.

حکم ریختن فاضلاب در رودها و دریاچه ها

پرسش: ریختن فاضلابها در چشمه ها، رودها و دریاچه ها موجب تلف شدن هزاران هزار جاندار آبی و صدمات غیر قابل جبران به طبیعت است نظر مبارک نسبت به انجام چنین کاری چیست؟

پاسخ: آلوده کردن رودخانه ها و دریاچه ها به طوری که موجب اتلاف جانداران آبی شود و در نتیجه مردم گرفتار خسارت و زیان گردند، جایز نیست.

حکم آلوده کردن هوا

پرسش: اگر کسی از وسیله ای استفاده می کند که موجب آلودگی هواست، در حالی که امکان استفاده از وسایلی که آلودگی کمتری ایجاد می کنند نیز وجود دارد وظیفه شرعی وی چیست؟

پاسخ: هوا از مواهب بزرگ الهی است، نباید آن را بی جهت آلوده کرد.

نحوه جبران خسارت صنایع به محیط زیست

پرسش: صنایعی که مدتها بدون اطلاع کسی عوامل آلوده کردن محیط زندگی انسانها را فراهم آورده اند چگونه بریءالذمه می شوند؟

پاسخ: سزاوار است از طرق ممکن، برای پاک کردن آلودگیها به مقداری که موجبات آن را فراهم ساخته اند، تلاش کنند.

حکم استفاده از سمومی که برای طبیعت مضر است

پرسش: بنابر نظر مبارک، استفاده از بعضی سموم شیمیایی که موجب مرگ جانداران مفید یا بی ضرر طبیعت می شود، چه صورتی دارد؟

پاسخ: استفاده از هر چیزی که حیات جانداران مفید و بی خطر را به خطر بیندازد اشکال دارد.

سوزاندن و قطع بی جهت درختان

پرسش: آیا درختی که دارای جان و حیات است، سوزاندن و قطع آن موجب ضمان و گناه است؟

پاسخ: در صورتی که متعلق به دیگران باشد ضمان دارد در غیر این صورت نوعی انحراف و کار حرامی است.

حکم ریختن زباله به داخل جوی آب

پرسش: ریختن اجناس زائد (میوه های فاسد، کارتن، بسته ها، و مانند آن) به داخل جوی آب چه حکمی دارد؟

پاسخ: ریختن آنها در جوی آب، و آنچه باعث اذیت و آزار و ضرر و زیان مردم می شود، جایز نیست، و بهتر است در مکانهایی که معمولا برای آن کار در نظر گرفته شده ریخته شود.



اَسْرَتِ كَلَامِ عَلِيٍّ يَا فَاطِمَةَ كَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ